

# تقویت رهبری انقلاب

## وظیفه تمام انقلابیون راستین است

قاطعیت امام خمینی در نبرد انقلابی برای واژگون کردن رژیم خونخوار و دست‌نشانده پهلوی باعث شد که آن وحدت‌عمل خلقی بی‌مانندی حاصل شود که حکومت مهیب شاه‌خائن را درهم شکند و راه را برای تأمین استقلال و آزادی کشور بگشاید. در شخصیت بی‌تزلزل و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، آرمان و آرزوی تمام طبقات و اقشاری از خلق ستمدیده و غارت شده ایران تجسم یافت که خواستار رهایی کشور از یوغ سلطه امپریالیسم تاراجگر و حکومت پهلوی - این ساطور اعمال قدرت حاکمه امپریالیسم در ایران - بودند. پیروزی انقلاب رها نیش ملی، دموکراتیک و خلقی ایران با نام امام خمینی انجام گرفت.

اینها واقعاتی است که همه میدانند، از جمله ضد-انقلاب، و بهمین دلیل ضد انقلاب با تمام نیرو و با تمام وسائل گوناگونی که در زرادخانه خود دارد، میکوشد رهبری امام خمینی را تضعیف کند.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی متحدان، با تبلیغات مشخون اذروغ و افتراء، حاصل انقلاب ایران را نوعی حکومت استبدادی قلمداد میکنند و این‌سکه قلب را با استفاده از روحیه کسانی که «آزادی» خود را در سوار شدن بر گردن مردم، محدود شده احساس میکنند، رواج میدهد. این تبلیغات زهر آگین که در «رنکین نامه‌های» داخلی منعکس میشود، تمام آن بدبختیهایی که از رژیم خائن و از گون شده سابق باقی مانده، بهای رهبری کنونی انقلاب میگردد. از شایبه - سازی گرفته تا ایجاد وحشت، از خرابکاری و کار شکنی آشکار گرفته تا شمارهای ظاهراً فریبنده، ولی تفرقه افکنانه، همه وسائل برای ایجاد روحیه گرین از مرکز رهبری بکار می‌رود. امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی در راه رسیدن باین هدف، دنیروی بالقوه متحدی دارند که خواسته یا ناخواسته، ولی عملاً و بالفعل در همان راه گام بر میدارند. یکی ارتجاع راست، چه مذهبی و چه غیر مذهبی است، که نسبت به مشی قاطع ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و آزادیخواهانه امام خمینی همواره مخالف خوانی میکنند. دیگری گروه‌های «چپ‌نما» که ظاهراً میخواهند انقلاب را به پیش بتازانند، ولی در عمل بر سر راه پیشرفت آن، از طریق مخالفت دائم با حل منطقی و ممکن هر مسئله‌ای در تمام زمینه‌ها مانع می‌شوند. ارتجاع راست، در برابر هر توصیه‌ای که امام مطرح می‌سازد، «پیشنهاد» مخالفی از راست درجته دارد. «چپ‌نماها» نیز جزم مخالفت و وظیفه دیگری برای خود نمی‌شناسند.

در این میان بخشی از یک قشر اجتماعی، که خود را «روشنفکر» میدانند، بویژه آسیب پذیر است. برای ایجاد هراس در همین قشر است که ضد انقلاب ندا میدهد که «صدای تعیین فاشیسم» بگوش میرسد. از سوی دیگر برای جدا کردن همین قشر از جنبش انقلابی است که «چپ‌نماها»، این انقلاب را حتی انقلاب نمیدانند.

خلاصه تلاش مذبحانه برای تضعیف رهبری انقلاب از جانب ضد انقلاب بی‌تقاب و متحدین با لقوه و بالفعل آن، یعنی ارتجاع راست و گروه‌های «چپ‌نما» شدت گرفته است. تضعیف رهبری انقلاب معنا و نتیجه‌ای جز کار شکنی در کار انقلاب ندارد. کار این کار شکنی تا آنجا پیشرفته که شخصی امام در معرض توهین و اهانت قرار می‌گیرد.

این وضع انجام وظیفه مهمی را در برابر نیروهای راستین انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران قرار میدهد. این وظیفه عبارت است از تقویت رهبری امام خمینی در جهت ریشه کن کردن ریشه‌های گندیده رژیم واژگون شده شاه مخلوع، در جهت تخریب تمام پایگاه‌های سلطه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا در ایران، در جهت لجام‌زدن به گروه‌های راست، که زیر نقاب هواداری از مذهب، با افسار گسیختگی به آزادهای فردی و اجتماعی تجاوز میکنند و با ایجاد محیط رعب و وحشت، هم قشرهای ترقیخواه و آزادیخواه مردم را از خط سیاسی امام دور میکنند و هم به تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی بهانه میدهند. غفلت از انجام این وظیفه، میدان دادن به ضد انقلاب است.

حزب توده ایران همه انقلابیون راستین، تمام احزاب، سازمانها و گروه‌های سیاسی صادق به انقلاب را دعوت میکند که برای خنثی کردن تلاش ضد انقلاب در تقویت رهبری انقلاب، رهبری امام خمینی، چه در گفتار و چه در کردار، بکوشند. شرایط مشخص انقلاب رها نیش ملی، دموکراتیک و خلقی ایران چنین وظیفه‌ای را در برابر نیروهای انقلابی صادق قرار داده است. در اجرای این وظیفه باید کوشید.

### در صفحات بعد میخوانید:

#### حداقل دستمزد کارگران حد مطلوب نیست

(صفحه ۳ - ستون اول)

● از طریق توطئه دامنه داری در رنگین نامه‌ها:

ضد انقلاب بختیار را نامزد ریاست جمهوری ایران کرد!

(صفحه ۸ - ستون دوم)

● امپریالیسم آمریکا، دشمن آزادی و استقلال همه خلقهای جهان

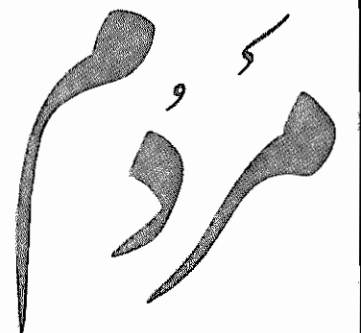
(صفحه ۷ - ستون اول)

● ابعاد فاجعه آفرین یک «تجربه» نقد فیلم (صفحه ۶ - ستون اول)

● از اخگر شعله بر میخیزد! شری از موج - (صفحه ۸ - ستون اول)

● ساکنان افسریه چه میخواهند؟ (صفحه ۴ - ستون دوم)

● کتاب سوزان و حمله وسیع ضد انقلاب به آزادی‌های دموکراتیک (صفحه ۵ - ستون اول)



ارگان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۱۵  
چهارشنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

## مارکسیسم، اخلاقیات، معنویات

یک بحث ساده فلسفی درباره یک سفسطه رایج مخالفان و دشمنان مارکسیسم

عناصر راست گرا شیوه «راحتی» را برای مردود شمردن مارکسیسم برگزیده‌اند: ابتدا به مارکسیسم اراجیف و اباطیلی نسبت میدهند، سپس با سبکدستی ثابت میکنند که آن اباطیل در واقع اباطیل است! فهوالمطلوب! مثلاً میگویند که گویا مارکسیست‌ها فقط به «مادیات» می‌اندیشند و لذا اخلاق و معنویات در نظر آنها هیچ است و برای ایمان و وجدان و شرف و دیگر فضائل «محلی از اعراب» قائل نیستند و برای آنها، بمنظور نیل به هدفهای شیطنانی، هر وسیله‌ای مجاز و مطلوب است! البته این انتسابات به ایدئولوژی مارکسیستی از بیخ و بن نادرست است. ایدئولوژی انقلابی مارکسیسم - لنینیسم جای برتری برای اخلاقیات و معنویات باز میکند. بدون داشتن آرمان، بدون داشتن ایمان، بدون انسان دوستی، بدون عاطفه فداکاری در راه جامعه و میهن، بدون عشق به تمدن و فرهنگ، بدون آمادگی برای ایثار عزیزترین چیزها و از آن جمله زندگی خود در راه رهایی ستمدیدگان، بدون عشق به صلح و همبستگی و دوستی انسانها، یک مارکسیست، مارکسیست نیست. یک انقلابی، انقلابی نیست. انقلابی مارکسیست سرایا سرشار از عواطف مقدس و هیجانات پاک انسانی است. این شرط بایسته و ناگزیر است.

مارکس میگوید، به هدفهای شریف تنها با وسایل شریف میتوان دست یافت و مارکسیسم شیوه ماکیاورل را رد میکند. اگر چنین نبود، مارکسیست‌ها نمی‌توانستند انگیزنده بزرگترین جنبشهای انقلابی تاریخ معاصر باشند، نمی‌توانستند بقیه در صفحه ۴

### توجه!

گزارش راه پیمائی روز سه شنبه ۲۶ تیرماه، که حزب توده ایران نیز در آن شرکت داشت، در شماره آینده به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

## اصل

### محتوی قانون اساسی است

در هفته نامه معروف «عصر جدید»، چاپ شوروی، شماره ۲۸ (ششم ژوئیه ۱۹۷۹) مقاله مفصلی در تحلیل اوضاع کنونی ایران، زیر عنوان «در مرحله گذار»، بقلم «کروتی خین»، درج شده است. ما ترجمه بخشی از این مقاله را، که مربوط به مهمترین مسئله روز، یعنی قانون اساسی است نقل میکنیم. بقیه در صفحه ۷

## برای بزرگداشت شهیدان ۳۰ تیر

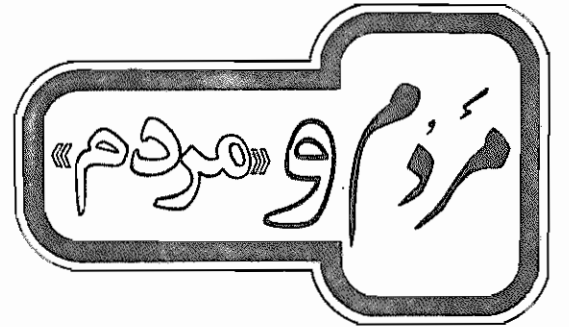
دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب و همه عناصر میهن پرست و آزادیخواه دعوت میکند که با شرکت وسیع خود در مراسم بزرگداشت شهیدان ۳۰ تیر ۱۳۳۱، اراده خود را برای تحقق اتحاد تساریخی نیروهای خلق در مبارزه به خاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران ابراز دارند.

● روزتجمع: جمعه ۲۹ تیرماه ۱۳۵۸  
● ساعت تجمع: ۵ بعد از ظهر  
● محل تجمع: بل سیمان - جاده قدیم تهران - شهر ری  
● مسیر حرکت: از بل سیمان بسوی ابن بابویه، مزاد شهیدان ۳۰ تیر

یادآوری: کسانی که هیچگونه دسترسی به وسایل نقلیه ندارند، می‌توانند از اتوبوسهایی که در محل تقاطع خیابان فروردین - انقلاب در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر روز ۲۹ تیرماه آماده حرکتند، استفاده کنند.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۶ تیرماه ۱۳۵۸

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود



# جنایتکاران در برابر دادخواهی خلق

■ **مجریان تبهار حادثه اردیبهشت ۳۳ در زندان رشت، دستگیر شده‌اند**  
■ **بزودی دادگاه انقلاب اسلامی برای رسیدگی به این جنایت تشکیل میشود**

۶- محمد گاش، پاسبان کماندو، که قاتل رفیق شهید سبزیعلی محمدی پور است. وی در یکی از منازل محراب عراق دستگیر شد و چون بر اثر سکه اعضایش فلج است، دادستان فلا آزادش کرده است. او نیز هنگامی که رفیق سبزیعلی را به قتل رساند، فریاد کرد، این یکی را هم بنام من ثبت کنید.

۷- با اطلاع میرسانم که، دادگاه به شاهدان عینی و کسانی که از جریان این جنایت آگاهی دارند، در ۱۵ روز مهلت داده است که به دادگاه مراجعه کنند، تاریخ اعلام مراجعه از ۱۹ تیرماه تا سوم مرداد ماه است.

۸- آدرس دادگاه انقلاب اسلامی، رشت، پل عراق، سر باز خانه سابق است و بازپرس دادگاه آقای غضرائی و دادستان آقای دیباچی هستند.

۹- دادگاه انقلاب اسلامی رشت بزودی شاهد یکی دیگر از مظاهر مجازات عاملین سرسپرده و جنایت کار رژیم پیشین خواهد بود. وظیفه انقلابی و انسانی همه آگاهان، آشنایان، خویشان و منجمله نگهبانان، که در آن موقع در زندان بودند، مراجعه به دادگاه و گفتن حقیقت است. خوانندگان خود را بیشتر در جریان وقایع خود گذاشت.

۱۰- عمل قاطع و برنده دادگاه های انقلاب، در زمانیکه ضدا انقلاب سر بلند میکند و میکوشد خود را سازمان دهد و به انقلاب ضربه زند، مورد خواست همه مردم است.

«مردم»، در اردیبهشت ماه، جریان شهادت رفقا، محمد تقی اقدام دوست، علی بلندی، هرمز نیکر، محبت خواه رشتی و سبزیعلی محمد پور را در زندان رشت، بلافاصله پس از کودتای سیاه ۲۸ مرداد، و همچنین مراسم بزرگداشت شهدا را بعد از ۲۵ سال، چاپ کرد.

۱۱- قاتلان این شهیدان توده‌ای، جانیانی که جری یکی از وحشیانه ترین نقشه‌های رژیم کودتائی شاه خائن بودند برای اولین بار در درون زندان، زندانیان سیاسی را کشتند، در تمام مدت حکومت شاه مخلوع، بخاطر خوشخدمتی‌های جنایتکارانه خود با فراغ بال میکشند و پس از سالها زورگویی و چپاول، اغلبشان با حقوق کلان باز نشسته شده بودند.

۱۲- اما بالاخره دست‌داده‌خواه مردم بیدار گیلان گریبان جنایتکاران را گرفت. رفقا و دوستان و خانواده‌های شهیدان، با اتفاق سایر ترقیخواهان و ضدا امپریالیستهای گیلان، رد جانیان را گرفتند و در شرایطی پیروزی انقلاب توانستند همه اسناد و مدارک و وثوق را گردآوری نمایند. دادگاه انقلاب اسلامی رشت با شایستگی و وظایف انقلابی خویش عمل کرد و اکنون هوشش تن آدمکشان حادثه ۳۳ اردیبهشت ۳۳ در زندان و منتظر تشکیل دادگاه هستند.

۱۳- افراد دستگیر شده عبارتند از، ۱- ستوان بازنشسته کاظمی، که عازم فرار آمریکا بود و در فرودگاه مهر آباد چند هفته پیش دستگیر شد و زندان رشت منتقل گردید. ۲- محمد تاریخ، معروف به خووخ، پاسبان بازنشسته، که ماه گذشته در خیابان رشت، هنگام سوار شدن با توپمیل خودش، دستگیر گردید. او قصد مقاومت داشت، که با روبرو شدن با اسلحه پاسدار جازدی در هنگام جنایت، مستقیماً با لگد رفیق اقدام دوست را بقتل رساند و در حالیکه رفیق طلب آب میکرد، به دهان وی ادرار کرد و گفت: این را بنام من بنویسید.

که «مردم» یا بطور کلی حزب، بدون استثناء و تا آخر بی‌عیب و نقص بماند و کمترین نقی در کارش نباشد هر چند انتظاری ناشی از علاقه است ولی واقع بینانه نیست و در عمل چنین احتراز کامل از هر گونه اشتباهی غیر مقدور است. اتکاء ما منجمله به همین یادآوریه‌ها و نکته‌گیریه‌های دوستان است که به ما در بهر بود کار کمک کنند. باز هم منتظر نامه هستیم و موفقیت همگی را آرزو مندیم.

نامه ع.خ، که انتشار علی «مردم» را تهنیت گفته، رسیده است که متشکریم. درباره نحوه نگارش واژه مورد بحث، البته نظریات مختلف است. شاید بتوان معروفیت این شکل نگارش یا حتی غلط مصطلح و نظایر اینها را خاطر نشان ساخت، ولی جسای بحث این مسائل اینجا نیست و واژه‌شناسان و تاریخ دانان میتوانند در این باره به بحث پردازند. با آرزوی کامیابی.

نامه دو دوست، حسن و احمد از قزوین، رسیده است. پاسخ قسمت اول نامه را تاکنون در صفحات «مردم» یافته‌اید. درباره ایراد شما به مقاله مربوط به آذربایجان، نظیر مورد دیگر مربوط به حمله به اجتماعات، باید دانست که وقتی ما یک سیاست اصولی در یک زمینه داریم و آنرا تعقیب میکنیم و از آن دفاع میکنیم، کاملاً احتمال داریم که این سیاست در این یا آن جنبه، یا در خطوط عمده آن با سیاست و روش حزب یا گروه یا شخص دیگری مطابق باشد و بنا بر این با هم، در این مورد مشخص، دارای یک نظر باشیم. این انطباق بمنای دنباله‌روی و فرصت طلبی نیست. ما نباید از این اتهام فرصت طلبی بترسیم و سیاست اصولی خودمان را - با این بهانه که مبادا با سیاست و نظر فلان شخص تطبیق میکنیم - رها کنیم. پیگیری در سیاست اصولی باید روش ما باشد. مثلاً ما سیاست ضد امپریالیستی داریم و سی و هشت سال است که پیگیری ترین نیروی سیاسی ضدا امپریالیستی در ایران هستیم و در این راه کشته‌ها داده‌ایم و دهها وصدا فقر از اعضا و رهبران ما سالهای بسیار در زندان و شکنجه گاه مانده‌اند، زیرا با امپریالیسم و عمال آن مخالف بودیم. حالا اگر امام خمینی هم سیاست پیگیری ضدا امپریالیستی را از پیش میبرد و رهبر انقلاب بزرگ ما است، که خصلت برجسته‌اش همین ضدا امپریالیستی بودن است، آیا ما باید از ترس اتهام «دنباله‌روی»، سیاست اصولی خود را رها کنیم؟ نه! اگر صد هزار بار هم با ترس از تبعات خود را ترک نخواهیم کرد و از سیاست قاطع ضدا امپریالیستی امام حمایت خواهیم کرد، زیرا آنرا با سیاست خود در عمده ترین خطوط خود منطبق میدانیم. همینطور است در باره سیاست اصولی ما در زمینه دفاع از حقوق و آزادیهای دموکراتیک، که حزب ما همیشه پرچمدار آن بوده و خواهد بود. اگر در اینجا هم باز بخواهند با سلاح دنباله‌روی از کسانی که مرزهای سیاسی ما با آنها کاملاً روشن و بر همه معلوم است، بجلو بیایند، آیا باید جان بنیم و از دفاع از حقوق و آزادیهای دموکراتیک خود - داری کنیم، که مبادا بگویند حزب توده ایران دنیا له‌روی فلان گروه یا حزب یا شخصیت شده است؟ ما معتقدیم که در عمل این مردم زحمتکش ما هستند که تشخیص میدهند حزب توده ایران سیاست خود را عملی میکنند و روش اصولی خود را دارد و پیگیرانه آنرا انجام میدهند. ترس از اتهام موجب فلج خواهد شد. بما اتهام میزنند تا ما را فلج کنند، ما نباید در این دام بیفتیم. البته ممکنست که در اجرای این مشی، در اینجا و آنجا لگزش رخ دهد و با تمام دقت این سیاست اجرا نشود. این مسئله دیگریست که بهر حالت مشخص و با اندازه و حد مشخص و معین خود مربوط میشود. و گرنه اصل، بنظر ما، همانست که گفتیم. نه از ترس اتهام، نه از ترس اشتباه، نباید دست از انجام کار و پیشبرد سیاست خود برداشت. موفقیت دوستان گرامی قزوینی خود را خواستاریم و امیدواریم با پیش «مردم» در شهرستان خود و روستاهای اطراف، با ابتکار خود، بما کمک برسانید.

اسلحه و انسان، این انسان است که نقش تعیین کننده دارد، نه سلاح. گاه مایه عجب است که جمعی بجای یافتن وجوه مشترک بین انقلابیون، امری در اختلاف سازی دارند، آنها اختلاف مصنوعی و دروغین، یک نمونش همین است که ذکر کردیم و حال آنکه پیغمبر اسلام در حق خود میگوید: «خداوند مرا مبعوث نکرده که اشکال ساز و اشکال تراش باشم، بلکه مرا به مثابه آموزگاری آسان گیر و آسان ساز برانگیخته است.» ولی کسانی از شریعت «سهله و مسخسه» به خلاف ماهیتش استفاده میکنند.

مارکسیسم در مسئله اخلاقیات و معنویات، از برخی مدعیان دروغین و ریا کادفاع از اخلاق و معنویات، ریشه‌ای تر می‌اندیشد. مارکسیست‌ها میدانند که تا زمانی که علل و عوامل عینی و واقعی ستم و بهره‌کشی باقی است، افراد جامعه را بضرر اندر زور با تا بهاید نمیتوان منزه و پارسا ساخت. فی‌المثل اگر آتش در زیر دیک شعله‌ور است، آب در داخل دیک بناچار خواهد جوشید، حالا شما دمیدم یک انگشتانه آب سرد بر آن آب جوشان بیافزائید - نتیجه چیست؟ ممکن است اینجا و آنجا تک‌جوشی فروبشید، ولی آب کماکان خواهد جوشید. بقول سعدی: «نبود بر سر آتش میسر مگر نجوش.»

تا نظام اجتماعی مبتنی بر استثمار و استعمار باقی است، تا پول، خدای معجزه گر و «اکسیر سعادت» است، تا بشر در چنگ چهل و بیماری و بیم از آینده اسیر است، تا ساز سازی از راه اندرز، اثر اندازی دارد. مارکسیسم بدنبال علل واقعی آلودگیهای اخلاقی است و برخلاف باصطلاح «دوسه‌لیستهای اخلاقی (اتیک)» که میگفتند، اول از خودت شروع کن، راه مبارزه را در آن میدانند که باید اول از جامع شروع کرد و میدانند که تحول روحی بشر و پیدایش «انسان نو» روندی است طولانی و مبارزه ایست همه جانبه و دقیق. تصور میکنیم که برای انتقاد از مارکسیسم، حداقل باید اول آنرا آموخت. بقول حافظ: «چو بشنوی سخن اهل دل، مگر که خطاست سخن شامش نه‌ای، جان من، خطا اینجاست.»

این ستون را امروز به نامه‌های حاوی مطالب انتقادی اختصاص میدهم. انتقادات دوستان ما ناشی از توجه آنان بمطالب و دلسوزی برای بهبود کار ماست و به همین خاطر هم ما از همه دوستان تشکر میکنیم.

نامه اسکندر ز. و حسن س. (به صفحه) و محمد حسین و. و باک ط. و نامه بی‌امضائی، که ضمناً دو غلط چاپی راهم (شوبه‌جای شمر در شماره ۳۰) اصلاح نموده، حاوی ایراداتی هستند بنحو تنظیم و تیربندی مقاله‌ای مربوط بجلاد ساواک تهرانی. استدلالات دوستان درست است و ما در شماره بعدی بازم مقاله‌ای در این زمینه داشتیم، که با در نظر گرفتن مجموع مقالات، طرز برخورد ما روشنتر میشود.

درباره مطلب کوتاه طنز مانند «نشیده‌ای که...» و «حکایت قابوس» نیز عکس العمل‌های مختلف موافق و مخالف دریافت کرده‌ایم، ولی اغلب دوستانیکه نامه نوشته‌اند، این سبک را نپسندیده‌اند و خرده گرفته‌اند که جای اینگونه مطالب در نشریه‌ای فکاهی است، نه در ارگان حزب. اتفاقاً خود ما هم بهنگام فرستادن مطلب به چاپخانه مترصد این بودیم که خوانندگان چه خواهند نوشت و میخواستیم بدانیم که نظر مردم درباره اینگونه مطالب چیست؟

اینرا هم ناگفته نگذاریم که برخی از دوستان در انتقاد از این سبک با اصطلاح خیلی دور برداشتند و حتی استفاده از طنز را بطور کلی در برخورد های سیاسی رأیدو لولویک نادرست دانستند و شکفت آنکه، به نین هم «استاد» جستند که وی گویا از چنین سبکی در مبارزه با مخالفان سیاسی استفاده نمیکرده است!

این نظر البته درست نیست و کسانی که با آثار لنین آشنائی دارند، میدانند که وی با چه خامه نیشداری بسراغ دشمنان رأیدو لولویک خود میرفته و بوفور اسلحه طنز را بخدمت گرفته است. منتهی هر نکته بجای خویش نیکوست و ما این مطلب را برای آن یادآوری نکردیم که حتماً چاپ آن مطالب را توجیه کرده باشیم، بلکه برای آنکه از آنطرف پشت بام هم زمین نیفتیم و جدی بودن و حسن مسئولیت را، که اساسی است، با منحصر کردن شیوه نگارش بیک نوع اشتباه نکنیم. در مبارزه اصولی و قاطع در کنار شیوه مستدل و متین رأیدو لولویک، همواره میتوان و باید از اسلوب‌های دیگر و منجمله طنز در نوشته استفاده کرد. حکم جامد و لایتیری در این زمینه نمیتوان داد. ولی بطور مشخص می‌توان و باید گفت که مثلاً مطلب مربوط به «قابوس» یا «نشیده‌ای که» خوب از آب در نیامده و یا مثلاً در این زمینه بحث کرد که «مردم» جای اینگونه مطالب نیست، که این البته با آن تعمیم فرق دارد و لازم است بطور مشخص درباره آن صحبت کرد و بتوافق رسید.

از این دوستان و سایرین که میکوشند عیوب و نقائص را برملا کنند تا کار ما بهبود یابد، متشکریم، زیرا امید داریم، تنها آن‌کس که کاری نمی‌کند، اشتباه نمیکند. برای این اساس هیچکس نباید انتظار داشته باشد که هرگز، حتی یک اشتباه یا لغزش یا بیدقتی پیش نیاید. اشتباه بزرگ و لغزش اصولی نباید پیش آید و هر اشتباه یا لغزش یا بیدقتی - اعم از بزرگ یا کوچک - هم باید صادقانه پذیرفته و اصلاح شود تا از امکان تکرار آن حتی المقدور جلوگیری بعمل آید. و گرنه انتظار آنرا داشتن

بقیه از صفحه ۱  
**مارکسیسم، اخلاقیات، معنویات...**  
در خون آشام فاشیسم غلبه کنند، نمی‌توانستند جامعه نوین رها از بهره‌کشی را، با تحمل انواع محرومیت‌ها، بنا نمایند، نمی‌توانستند در مقابل امپریالیسم باهیمنه بایستند، نمی‌توانستند در راه عدالت اجتماعی آنهمه شهید بدهند.

احزاب مارکسیستی اعضاء خود را با این روح میپورند. جوامع سوسیالیستی افراد جامعه را با این روح میپورند. سراپای آثار علمی و هنری در جوامع سوسیالیستی از تلقین عالی‌ترین عواطف انسانی سرشار است. اینها واقیاتی بر همه معلوم و بر همه عیانی است، ولی با اینحال عناصر راست‌گرا، افراد ضدا انقلابی، دشمنان سوگند خورده مارکسیسم، «دوست دارند»، صاف و ساده متکرار این واقیاتی بشوند و بگویند گویا مارکسیست‌ها، مانند سیاستمداران سوداگران بورژوا، تنها به عوامل «مادی» دلخوشند و به انگیزه‌های معنوی بهائی نمیدهند! سوء استفاده‌ای که میشود از واژه «مادی»، بمعنای عنصر خود خواه و سودپرست و واژه دیگر «مادی»، بمعنای کسی است که از لحاظ فلسفی ماده را یک واقعیت عینی مستقل از ذهن میدانند و معتقد است که از جهت مراتب وجودی، ماده لا عن شعور و ناخود آگاه بر ماده ذیشعور مقدم بوده، یعنی ماده ذیشعور (یا بسادگی «شعور») از تکامل طولانی ماده بیجان و بی‌شعور پدید آمده است. این یک نگرش فلسفی است که کسی میتواند با آن موافق باشد یا نباشد، ولی از نگرش فلسفی ماده‌گرایانه، ابداً آن نتیجه‌گیری اخلاقی «ماده پرستی»، بمعنای خودخواهی و سودپرستی بدست نمی‌آید، بلکه برعکس رهبر انقلاب ایران، امام خمینی، گاه بدستی در اظهارات خود، امریکا و شاه را بدان منسوب داشته که آنها «مادیات» (مانند پول، اسلحه، ثروت شخصی، چاکرها و افزاز و اثاث کار) را مطلق میکردند و غافل بودند که یک خلق انقلابی با ایمان، ولی دست‌خالی و مستضعف، میتواند بر این کوه مادیات غالب آید.

حق کاملاً باوست. در انقلاب ایران، ایمان مردم، ایمان مذهبی و سیاسی مردم، نقش معجز آسایی برای غلبه بر یک بت‌ساز معنی «کوه مادیات» ایفا کرده است. مارکسیسم نیز بر آنست که بین

**ضد انقلاب در ارتش فعال است**  
چندی پیش در یادگان لویزان، صبح‌زود، وقتی افسران به سرکار خود میروند، مشاهده میکنند که در قسمتهای مختلف، اعلامیه‌ای روی میزها گذاشته شده که به امضای «پالیزبان و یاران» است. در این اعلامیه از جمله آمده بود که آقایان «بزودی باز میگردند» و به «وضع آشفته پایان میدهند»

**از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم**  
قائد از شیراز ۱۰۰۰۰ ریال  
آزادگان ۱۰۰۰۰ «  
رفیق عکاس ۱۰۰۰۰ «  
ص ۱۰۰۰۰ «  
و.ت. ۱۵۵۵ از شیراز ۵۰۰۰۰ «  
۱۷۶ از شیراز ۷۰۰۰ «  
مزدک از کازرون ۳۰۰۰ «  
از بندر لنگه ۱۵۰۰ «  
صمد قزوینی ۶۰۰۰ «  
دوستان کارگر ۱۰۱ از اراک ۳۶۰۰ ریال  
ع.ا.ر. ۵۵۰۰ ریال  
مهدی ۲۰۰۰۰ «  
رفیق کارگر - ۱۱۵ ۲۰۰۰۰ «  
کاوه از آباد ۴۰۰۰۰ «

# حداقل دستمزد کارگران حدمطلوب نیست

طرح تعیین حداقل دستمزد کارگران از پنج ماه پیش در وزارت کار مورد بررسی و مطالعه بود و سرانجام، بر اساس تصمیم شورای عالی کار، حداقل دستمزد کارگر روزانه ۵۶۷ ریال اعلام شد. رقم اعلام شده در مقایسه با آخرین رقم حداقل دستمزد، که ۲۱۷ ریال بود، مبلغ ۳۵۰ ریال افزایش نشان میدهد، اما در مقایسه با هزینه سرسام آور و روزافزون زندگی نه تنها حد مطلوب نیست، بلکه کارگران را برای تأمین گذران روزانه همچنان دل مشغول میدارد.

قانون کار سال ۱۳۲۵، که علیرغم نقائص آن، دستاورد مبارزات طولانی طبقه کارگر زیر پرچم شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران بود، بر این امر تأکید داشت که حداقل دستمزد کارگران باید بر مبنای تأمین زندگی یک خانواده چهار نفری، یعنی کارگر، همسر او و دو کودک تعیین شود. اما نه تنها این ماده از قانون کار هرگز بدرستی اجرا نشد، بلکه سایر مواد مفید آن قانون نیز در تمام دوران رژیم پهلوی به بوته فراموشی سپرده شد. در نتیجه طبقه کارگر، علیرغم هزینه گران زندگی، گرانی اجاره مسکن، مخارج گزاف تحصیلی و بهای سرسام آور درمان و دارو، در قبال فروش نیروی کار خود، دستمزد ناچیزی دریافت میکرد که کفاف نان بخور و نمیر خانواده اش را بزرگت میداد.

با وجود خفقان حاکم در آن دوران، کارگران در بسیاری از کارخانه ها و مؤسسات تولیدی به کسی دستمزد و شدت درجه استثمار از جانب کارفرمایان طرح تعیین حداقل دستمزد وزارت کار مورد بررسی و مطالعه بود و سرانجام، بر اساس تصمیم شورای عالی کار، حداقل دستمزد کارگر روزانه ۵۶۷ ریال اعلام شد. رقم اعلام شده در مقایسه با آخرین رقم حداقل دستمزد، که ۲۱۷ ریال بود، مبلغ ۳۵۰ ریال افزایش نشان میدهد، اما در مقایسه با هزینه سرسام آور و روزافزون زندگی نه تنها حد مطلوب نیست، بلکه کارگران را برای تأمین گذران روزانه همچنان دل مشغول میدارد.

با وجود خفقان حاکم در آن دوران، کارگران در بسیاری از کارخانه ها و مؤسسات تولیدی به کسی دستمزد و شدت درجه استثمار از جانب کارفرمایان طرح تعیین حداقل دستمزد وزارت کار مورد بررسی و مطالعه بود و سرانجام، بر اساس تصمیم شورای عالی کار، حداقل دستمزد کارگر روزانه ۵۶۷ ریال اعلام شد. رقم اعلام شده در مقایسه با آخرین رقم حداقل دستمزد، که ۲۱۷ ریال بود، مبلغ ۳۵۰ ریال افزایش نشان میدهد، اما در مقایسه با هزینه سرسام آور و روزافزون زندگی نه تنها حد مطلوب نیست، بلکه کارگران را برای تأمین گذران روزانه همچنان دل مشغول میدارد.

اعتراض داشتند و با اقدام جمعی خود بارها کارفرمایان را وادار به افزایش دستمزد خویش کردند. با این وجود آنجا که رژیم نماینده سرمایه داران و مدافع بهره کشی آنان بود، سطح دستمزد کارگران هیچچیز با هزینه زندگی، که پیوسته رو به صعود داشت، هماهنگ نبود و کارگران در فقر و محرومیت بسر میبردند، بنحوی که آخرین رقم حداقل دستمزد روزانه ۲۱۷ تومان و ماهانه در حدود ۶۵۰ تومان بود که حتی هزینه یک نفر راهم کفاف نمیداد، تا چه رسد به چهار نفر. کارگران زحمتکش انتظار داشتند، انقلابی که حامی طبقه مستضعف است، گامی در جهت دگرگونی این وضع بردارد و حداقل دستمزد کارگران طوری محاسبه شود که با هزینه زندگی هماهنگ باشد. با آنکه سخنگوی وزارت کار اعلام داشته که، در گذشته در تعیین دستمزد واقعیت های زندگی کارگران در نظر گرفته نمیشد و بدون بررسی های همه جانبه، دستمزدها تعیین میشد، ولی امسال این بررسیها بعمل آمده، باید گفت که متأسفانه هنوز هم در تعیین حداقل دستمزد واقعیت های زندگی در نظر گرفته نشده است. حداقل دستمزد میبایست بر اساس تأمین حداقل زندگی برای یک خانواده چهار نفری تعیین شود، که نشده است. به واقعیت مراجعه کنیم، یک خانواده چهار نفری برای سکونت خود به یک واحد مسکونی ۲ اتاقه نیازمند است، که در شرایط کنونی حتی در جنوبی ترین مناطق، کرایه آن کمتر از ۱۲۰۰ تومان نیست. با در نظر گرفتن بهای یک کیلو گوشت به

مبلغ ۳۶ تومان، پنیر کیلویی ۱۷ تومان، نان دانه ای ۱ تومان و سبزی خوردن کیلویی ۴ تومان، این خانواده کارگری، اگر ناهارش یک آبگوشت ساده، صبحانه اش نان و پنیر و شامش نان و پنیر و چای باشد، هزینه نان و پنیر و آبگوشتش در ماه کمتر از ۱۲۰۰ تومان نخواهد شد. و اگر قبول کنیم که این خانواده باید پول آب و برق و هزینه ایاب و ذهاب بپردازد، لباس بپوشد، پافزار داشته باشد، کودکش را بدمرسه بفرستد و کتاب و دفتر و قلم و مداد برایشان تهیه کند، ماهانه بابت این اقلام هزینه، نمیتوان کمتر از ۶۰۰ تومان در نظر گرفت بدینسان در شرایط کنونی، حداقل هزینه زندگی یک خانواده چهار نفری بهیچوجه کمتر از ۳۰۰۰ تومان، یعنی روزانه ۱۰۰ تومان نمی شود، و تازه این خانواده نه میتواند میوه بخورد، نه تنوع غذا داشته باشد، نه در صورت بیماری به طبیب مراجعه کند و بهای دارو بپردازد، نه تفریح کند و نه همیمان بپذیرد، یعنی یک زندگی بخور و نمیر و خشک و خالی!

رهبر انقلاب، امام خمینی، پیوسته بر حمایت از طبقه مستضعف تأکید کرده است. جا دارد دولت در اجرای این هدف عظیم انقلاب به زندگی محرومین و زحمتکش ترین طبقات، که طبقه کارگر است، توجه بیشتری مبذول دارد، عرصه غارتگری کارفرمایان استثمارگر را تنگ کند و حصه کارگران را که آفریننده نم مادی هستند، از حاصل رنج و زحمت خود، افزایش دهد. فریاد میلیون ها کارگر از کمی دستمزد و گرانی هزینه زندگی با آسمان بلند است، باید با این فریاد پاسخ مثبت داد.

## پیروزی نسبی کارکنان سازمان خدمات اجتماعی

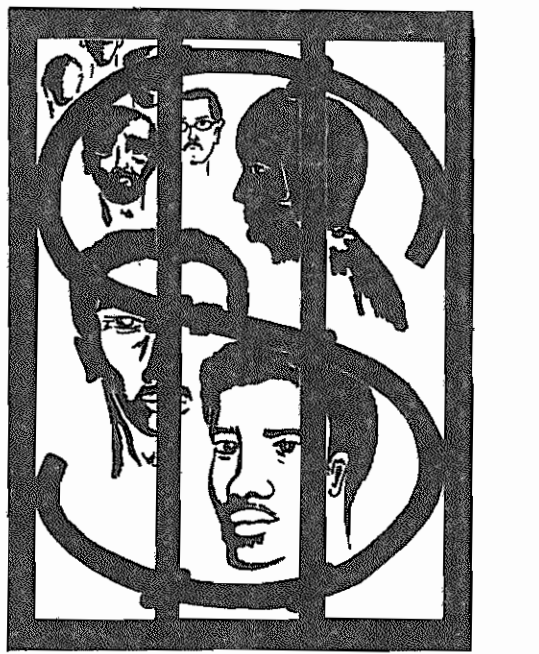
تحصن کارکنان سازمان خدمات اجتماعی از ۳۰ خرداد در اداره مرکزی این سازمان، که خیر آن در «مردم» (۳۴) آمد سرانجام پس از ۱۵ روز اعتصاب غذای ۱۶ تن و بستری شدن ۵ تن از آنان، در روز پنجشنبه ۱۴ تیرماه پایان پذیرفت.

در طول تحصن، نمایندگان از نخست وزیری و کمیته مرکزی امام و وزارت کشور با متحصنین تماس گرفتند و قسمتی از خواستهای کارکنان که عبارت بود از: برکنار کردن سرپرست سازمان، که دارای سوابق نامطلوب بود، و ادغام سازمان در وزارت آموزش و پرورش، انجام شد، اما هنوز وضع آوارگانهای که در خیابان تخت جمشید (ساختمان ۱۰۹) برای کارکنان ساخته شده و اخیراً در اشغال کارکنان درآمده است، روشن نیست.

## چرا کادر خدمات با «شورای کارکنان» مخالف اند.

شرکت با تلر - کالدرن، یک شرکت خصوصی با سرمایه مختلط ایرانی و امریکائی است، که مسئول طرح نقشه خطوط گاز رسانی در محدوده کجساران تاسرخس و نکا است. پس از انقلاب شرکای خارجی این شرکت متواری هستند. پس از آنکه طرح ایجاد «شورای کارکنان»، که از طرف مهندسین و کارمندان شرکت مطرح شده بود، با مخالفت کادر خدمات و رانندگان این شرکت مواجه شد، اکنون موضوع (تشکیلات صنفی)، عملاً مسکوت گذارده شده است. علت اختلاف رانندگان و خدمه شرکت با طرح ایجاد «شورای کارکنان»، از جمله این بود که آنها معتقد بودند که بدینوسیله خواستهای کارگران و کارمندان تحت عنوان «کارکنان» مخدوش میشود. از طرف دیگر، در یکی از مواد اساسنامه پیشنهادی از طرف «شورا»، عنوان شده بود که: «خواستهای کارکنان، بوسیله نماینده شورا به نظر مدیر کل - که خارج از شورا نیز هست - میرسد و مدیر کل درباره آن خواستها رأی میدهد.»

رانندگان و کارمندان دون پایه این شرکت با طرح فوق و این مواد مخالف و معترض اند. یکی از رانندگان شرکت «با تلر - کالدرن» میگفت: «ما بعنوان راننده شرکت استخدام شدیم، ولی عملاً از مکانیکی اتومبیل تا یادویی و نامه رسانی را نیز به ما ارجاع میکنند و با اینکه حقوق ما کفاف زندگی مان را نمیکند.»



مهر

## اخبار کارگری

### سندیکای خیاطان تهران و حومه در باره مشکلات کارگران

روز ۵ تیرماه، سندیکای خیاطان تهران و حومه تشکیل جلسه داد. ابتدا درباره مواد اساسنامه سندیکا، که ادامه بحث هفته قبل بود، صحبت شد، سپس در مورد کنترل واردات لباسهای خارجی بحث شد. در مورد قبول سفارش، کارگران گفتند، اتحادیه کارفرمایان خیاطان در همین چند روز اخیر ۸ هزار دست لباس از شرکت واحد گرفته، که برای آنها بدوزد و تا آنجایی که کسب اطلاع شده، برای هر دست لباس ۲۸۰ تومان پول میگیرد، که البته برای خودش دستی ۱۸۰ تومان خرج برمیدارد.

کارگران معتقد بودند که این قبیل امور را سندیکای کارگران خیاط باید کنترل کند و بر آن نظارت داشته باشد. سپس در مورد جلب کارگران جدید به سندیکا صحبت شد، که معلوم شد حدود ۳۰ هزار کارگر خیاط وجود دارد. ولی تنها ۴۲۳ نفر عضو سندیکا هستند. البته روز بروز بر تعداد اعضای سندیکا افزوده میشود، ولی قراشد که کمیسیون تبلیغات فعالیت هر چه بیشتری در جهت جلب کارگران به سندیکا انجام بدهد. سپس یکی از کارگران اعلام کرد که از کارگران آنها ۱۶ نفر کارگر خیاط، برای بیمه شدن، با کارفرما به مذاکره نشستند. کارفرما که فهمیده بود کارگران عضو سندیکا شده اند، همگی را اخراج کرد و آنها حالا بیکارند.

### کوشش کارگران چای برای تشکیل سندیکا

در تجمعی که روز دوشنبه ۱۱ تیر، عده ای از کارگران چای، برای بحث و اظهار نظر در مورد تشکیل سندیکای واقعی کارگران ترتیب داده بودند، چند تن از کارگران به وضع وحشتناک و اسف بار این صنف کارگری اشاره کردند و خواستار تشکیل هر چه زودتر سندیکای خود شدند.

کارگران چای سالهای متعددی در زمان شاه مخلوع، برای تشکیل سندیکا تلاش کردند، ولی نتیجه مثبتی عایدشان نشد. اینک، با پیروزی انقلاب ایران، این امکان برایشان فراهم شده که بتوانند از حقوق اولیه خود، که تشکیل سندیکای واقعی است، بهره مند گردند و در مقابل کارفرما، که شرایط کار و امکانات رفاهی کارگران را در نظر نمی گیرد، از خود دفاع کنند.

این کارگران، که روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار میکنند، هزدی در حدود ۵۰ الی ۶۰ تومان دریافت میکنند. محیط کار بسیار کثیف و آلوده است و باعث بیماریهای گوناگون از جمله سل میشود. نبودن بهداشت، کمبود دستگاه تهویه در محیط کار، نبودن وسایل حرارتی در زمستان و وسایل خشک کننده در تابستان و بخصوص کم بودن حقوق از جمله مسائلی است که در این تجمع مورد بحث بود.

## مدیریت طاغوتی شرکت «آسانسور» مشغول اخلاص است

روز ششم خرداد کارگران و کارمندان شرکت «آسانسور» ابولحسن دیبا و شرکاء، در محل دفتر شرکت، واقع در خیابان حافظ، دست به تحصن زدند. علت تحصن عدم پرداخت حقوق یکماه گذشته است. علت عدم پرداخت حقوق آنست که سازمان بنیاد مستضعفین قصد دارد که در مدیریت شرکت فوق تجدید نظر کند و به حسابهای مالی و قراردادهای آن رسیدگی نماید. بدین منظور تمامی حسابهای بانکی این شرکت را بسته است تا اختلاصی صورت نگیرد. مدیریت این شرکت از این موضوع سوء استفاده کرده و به کارگران حقوق نپرداخته است. در این میان کارمندان عالیرتبه شرکت و میاشین صاحبان سهام بشدت سرگرم اخلاص هستند.

## پیروزی کارگران «سوپر رنک»

بدنبال خبری که درباره اعتصاب کارگران «سوپر رنک» انتشار دادیم، کارگران موفق شدند طرح طبقه بندی مشاغل را با جسرا در آورند و ماهه تفاوت دستمزد خود را از یکسال قبل تا کنون دریافت کنند. کارگران حقوق عقب افتاده و نیز صد تومان اضافه حق مسکن را دریافت خواهند نمود.

## تحصن کارگران «ویلیام برادرز» ادامه دارد

مدتی از تحصن کارگران شرکت لوله کشی نفت «ویلیام برادرز» میگذرد. کارگران خواستار حقوق عقب افتاده خود و اجرای سایر خواستههایشان هستند. کارفرمای امریکائی و مدیریت کارخانه قرار کرده اند. کارگران خواهان حضور نماینده وزارت کار و رسیدگی به خواستههایشان هستند.

## موفقیت سندیکای کارکنان چای شمال

چندی پیش از طرف سندیکای کارکنان چای شمال نشستی در اداره کل چای شمال در لاهیجان با حضور کارخانه دار و کارکنان سازمان چای شمال تشکیل شد. در نتیجه سندیکای کارکنان چای شمال موفق شد صدی بیست به حقوق کارکنان این سازمان اضافه نماید.

## تصحیح

در خبر مربوط به اعتصاب کارگران سازمان آب و برق بندر انزلی (مردم شماره ۳۳)، نام آقای اکبری معاون امور مالی بعنوان «اعتصاب شکن» ذکر شده، که درست نیست و بدینوسیله با بوزش، تصحیح می شود.

با آنکه حقوق افرادی مانند ازجمندها و گودرزی ها قطع شده، اما هنوز در کارخانه کسانی هستند که مزایا و حقوقهای ۲۰ و ۳۰ هزار تومانی میگیرند. هنوز در کارخانه بازنشستگان ارتشی، که حقوق بازنشستگی هم میگیرند، در ازاء حقوقهای کلان وجود دارند و هیچ کار مفیدی هم انجام نمی دهند، در صورتی که میلیونها نفر از نیروی جوان کارآی مملکت بیکارند.

## در کارخانه ارج چه میگردد

در رژیم پهلوی کسی در کارخانه جرأت حرف زدن و اعتراض نداشت، چون بلافاصله دستگیر میشد. حالا هم وضعیتی بوجود آورده اند که اگر کسی انتقاد جدی از شورا و یا از مدیران بکند، بجز کمونیست بودن مورد بی مهری و حتی در معرض تهدید باخراج میگردد.

در این کارخانه هنوز پاکسازی انجام نکرده است و بجز اخراج مدیر امور اداری، که سادگی بودن او برای همه افراد کارخانه روشن بود، در این زمینه کار دیگری انجام نشده است. عمال کارفرمایان و ساواکها هنوز در کارخانه فعال هستند و شرایطی بوجود آورده اند که یکی از مهندسین شرکت، که مدتها بخاطر دفاع از منافق کارگران در زندان بود، مجبور به استعفا شد. آنها در محیط کارخانه تفرقه افکنی میکنند، و کار را به هر ج و مرج کشانده اند.

# خواستهای کشاورزان دماوند

- خواستهای کشاورزان و دامداران کهنک، یهر، لپشت مومج، دهنار، هویز از توابع شهرستان دماوند در نامه ای که بدفتر «مردم» رسیده، مطرح گردیده است.
- این خواستها عبارتند از:
  - ۱- لنو کلیه دیون و بدهی به بانک کشاورزی،
  - ۲- ایجاد راه
  - ۳- پرداخت وام در ازمدت به کشاورزان و دامداران جهت کسرتش محصولات.
  - ۴- ایجاد مدارس در روستاها.
  - ۵- ایجاد امکانات پزشکی و بهداشتی و تأمین درمانی رایگان.
  - ۶- واگذاری وسایل کشاورزی اعم از تراکتور و بذر مرغوب.
  - ۷- خرید محصولات کشاورزی از طریق دولت.
  - ۸- ایجاد آب لوله کشی و بهداشتی در روستاها.
  - ۹- ایجاد شبکه برق و واگذاری آن.
  - ۱۰- ایجاد شرکت و بانک تعاونی.

نامه مطالباتی دهقانان اطراف دماوند، که به «مردم» رسیده با تجلیل از انقلاب و رهبر آن امام خمینی و خلق قهرمان ایران و نقش دهقانان و کارگران آغاز میشود و با شعار درود بر رهبر انقلاب ایران پایان میدهد.

## زمینهای دهقانان بزمینان باید بخود آنها پس داده شود

طومار بزرگی با ۷۳ امضاء و اثر انگشت بنمایندگی از طرف سه هزار نفر اهالی دهستان بزمینان، بخش سردشت شهرستان آمل، به دفتر «مردم» تسلیم شده است. صحت امضاء و اثر انگشت و مراتب نامه توسط دهقان قریه تأیید گردیده است. در نامه منجمله چنین گفته میشود:

«در بهمن ۱۳۵۲، ۸ تن سرسپردگان رژیم منقره پهلوی، با استفاده از نیروهای انتظامی و سازمان امنیت (توسط کاظمی از سرکردگان ساواک مازندران) و دادسرای نظامی و بوسیله شکنجه و آزار و تهدید و ارباب و هتک حیثیت، جان و مال و ناموس اهالی، حدود سیصد هکتار از اراضی مزروعی را به قهر و اجبار از چنگ ما بیرون آوردند. بدین نحو که ابتدا به بهانه عدم پرداخت اقساط بدهی شرکت تعاونی وابسته به بانک عمران، اقساط چند ساله را یکجا با جرأ گذاشتند و چند نفر را به زندان انداختند. همزمان با این اقدام خرمینهای افراد را ضبط نموده و از جمع آوری محصول و خرمن کوبی جلوگیری کردند. همچنین برای ایجاد رعب و هراس و سیله عده ای از چماق داران، مال و ناموس افراد را در معرض تهدید قرار دادند، حتی چندین نفر از اهالی را مورد ضرب و شتم قرار دادند و عده ای را هم در اصطبلها زندانی ساختند و چهار نفر از معتمدین محل را هم سازمان امنیت بردند. رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی نیز گفت آقایان برای شاهپور غلامرضا و شریک ایشان زمین شمارا میخواهند.»

در دنباله طومار دهقانان بزمینان گفته میشود: «ما مردم ستمدیده و مظلوم قریه، که دیگر هیچگونه تأمین ناموسی و شرفی و جانی نداشتیم و حتی قوت لایموت خود را نیز از دست دادیم، سرانجام با ضرب چوب و چماق و اسلحه، مارا گروه گروه بشهر آمل آوردند و در دفترخانه شماره ۳۴ آمل از ما امضاء گرفتند. حاصل آنکه بدین وسیله ۳۰۰ هکتار از اراضی مزروعی ما را تصاحب کردند و در قبال آن به ما گفتند که بدهی چند ساله شمارا در بانک عمران پرداخت کردیم و بدین ترتیب عده ای از نامبردگان صاحب اراضی شدند و عده ای دیگر حدود دویلمیون تومان وجوه حاصل از فروش اراضی را به بهانه پرداخت بدهی بالا کشیدند. شکایات ما هم در دوره طاغوت بجائی نرسید. پرونده و اسناد مربوط به معاملات و بالا کشیدن اموال عمومی مردم قریه بزمینان در دفترخانه ۳۴ آمل و سرپرستی بانک عمران استان مازندران موجود است که جهت احیای حقوق خود تقاضای بررسی و تحقیق آنها را داریم. از آنجائیکه نامبردگان تحت حمایت منحوس پهلوی مرتکب جنایات فوق شدند، احقاق حق و نظلمات ما بجائی نرسید.»

دهقانان بحق خواستار ابطال معاملات اجباری اراضی و بازگرداندن زمین به صاحبان اصلی آن، یعنی خود زارعین و مجازات سرسپردگان دستگاه منقره و ایدای شاهپور غلامرضا هستند و مینویسند: «الان که انقلاب اسلامی پیروز شده، انتظار ما اینست که در جهت حمایت از حقوق حقه ما و مجازات متجاوزین بحقوق عمومی اقدام عاجل معمول گردد.»

# اخبار دهقانی

## چند خبر از روستاهای اطراف الیگودرز

روستاهای علی آباد قاسم آباد و مکی آباد و لیس وحشیوید، که در ۱۸ کیلومتری شهرستان الیگودرز قرار دارند، بوسیله شرکت زراعی کشاورزی اداره می شدند. اکثر کشاورزان صاحب نسق این روستاها هر کدام ۳۰ الی ۱۰۰ سهم دارند. کشاورزان معمولاً سالیانه در قبال هر سهم حدود ۲۰ کیلوگرم میگویند و چون شرکت به تعداد کمی کارگر احتیاج داشت و اغلب زارعین زائد بودند، لذا اکثر کشاورزان جهت تأمین مخارج خود مجبور بودند جهت کار به شهرستانها بروند. پس از پیروزی انقلاب، اهالی این روستاها مجمع عمومی تشکیل دادند و جهت بودن یا نبودن شرکت زراعی رای گرفتند که اکثریت رای به منحل شدن شرکت زراعی در آن منطقه داد. کشاورزان هر روستا، زمین را به تعداد سهام خود تقسیم و شروع بکار نموده اند.

در این چهار روستا شرکت سهامی قبلا به نوبت واهی جهت خانه سازی در یک شهرک پرداخت میکرد. تعدادی از خانوادهها، که امکانات مادی داشته و از وام بهره مند شده بودند، به این شهرک منتقل شدند و بقیه، که اکثر آنها خانواده های بی چیز و کم دست اند، در همان محله های ده مانده اند. کسانی که به شهرک رفته اند، تیرهای چوبی و در و پنجره خانه های گلی قبلی خود را جهت استفاده شخصی کشیده اند و در نتیجه خانه هایی که تخلیه شده اند، روی هم ریخته و خراب شده اند. اما چون خانه های گلی روستاها به هم متکی هستند، لذا خطر خراب شدن خانه کسانی که هنوز در آنجا زندگی میکنند، شدیداً آنها را ناراحت و مضطرب نموده است.

اهالی روستای علی آباد ۲ نفر نماینده انتخاب نموده و جریان را طی گزارشی، که به امضاء ۶۰ نفر خانواده رسیده بود، به نخست وزیر و کمیته امام اطلاع داده و تقاضا نموده اند، یا به آنها هر چه زودتر وام پرداخت گردد یا از طریق خودشان برای آنها مسکن بسازند. ولی با اینکه نماینده دولت به آنها اعزام شده و وضع اسفبار آنها را تأیید کرده، پس از ۳ ماه هنوز هیچ اقدامی در این مورد بعمل نیامده است. تحقیق نشان میدهد که مالک بزرگ ده کارشکنی کرده است.

در روستای علی آباد صدها هکتار زمین بسیار حاصلخیز، که مالک آن شخصی بنام منوچهر شجاعپور است، در گذشته بلا استفاده باقی مانده و روی آن کشاورزی بعمل نمی آید، زیرا که مالک آن، هتل و یکتوری را در تهران خریده و مشغول هتل داری بود. طبق دستور امام خمینی که گفته بود زمینها را بکنیم بکارید و نگذارید بلا استفاده بمانند، تعدادی خوش نشینهای این روستا (کسانی که زمین ندارند و بصورت کارگر مزدبگیر کار میکنند) روی این زمینها کار کرده و بنر پاشیدند، ولی مالک با حکم دادستانی و چند نفر مأمور پاسگاه بده آمده، زمین را از دست این زحمتکشان گرفته و آنرا شخم زده و زحمت آنها را، که طبق دستور امام مبادرت به این کار کرده اند، به هدر داده است. اهالی این ده به این اقدام شدیداً اعتراض نموده میکنند، مگر نه اینکه اسلام میگوید زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند؟ آنها شکایت خود را طی نامه ای به دفتر امام در قم فرستاده اند.

## دهقانان صفر آباد خواستار آب و برق اند

بعد از اصلاحات ارضی شاه مخلوع در سال ۱۳۴۱ و در سالهای بعد از آن، سیل دهقانان مقرر و بخشاک سیاه نشسته بسوی شهرها و مراکز صنعتی کارگری سرازیر شد. عده ای از روستائیان اطراف زنجان نیز خانه و کاشانه و زمینهای دیمی و بی بار خود را رها کرده بشهر مهاجرت نمودند. بدین ترتیب زورآباد و صفرآباد و ... در اطراف شهر، با خانه هایی که باخشت خام و گل شیانه ساخته بودند، چون قسارج از زمین روئیدند. با اینکه این خانه ها در دوران پهلوی چندین بار روی سراهالی صفرآباد ویران شدند، اما دوباره دیوارهای گلی آن، همان شیانه بالا رفت. صفرآباد از همان اولین روز پیدایش خود فاقد آب و برق، این اولین و ضروری ترین احتیاج انسان امروز بود، صفرآباد حتی به آب گل آلودی نیز دسترسی نداشت تا لااقل اهالی در آن لباسهای خود را بشویند. در صفرآباد آب را در بشکه بفروش میرسانند. اهالی صفرآباد روز دوشنبه یازدهم تیرماه در استانداری متحصن شدند تا محل اقامتشان دارای آب و برق بشود. اهالی صفرآباد در سالهای گذشته در اثر مبارزات خود توانسته اند تیرهای برق را در محل نصب کنند، لوله های بدون آب را کارگذارند، اما هنوز که هنوز است صفرآباد آب و برق ندارد و اهالی واقماً در مضیقه هستند. آنها خواستار انجام خواستهایشان هستند.

## دهقانان رودسر محتاج آب هستند، باید بآنها فوراً کمک شود

مسئله آب، مسئله ای جدی و حیاتی در رودسر است. آبرسانی به کشاورزی این منطقه حدود ۲ ماه طول میکشد، که هم اکنون کمتر از یکماه آن باقی مانده و بنا بر این دهقانان سخت مشوش و نگران هستند. در شرایط امروز، که تولید کشاورزی نه فقط اهمیت غذایی و اقتصادی، بلکه شدیداً لزوم حمایت از دهقانان زحمتکش این منطقه کاملاً حس میشود. کشاورزان مناطق روستائی شهرستان رودسر همه ساله در نتیجه بی آبی خسارات زیادی را متحمل میشوند.

آنها میگویند: «در محل ما امکانات مختلفی موجود است و اگر در زمان پهلوی توجهی باین امکانات و خواستهای ما نمیشد، علت آن معلوم بود، ولی امروز با تکیه بر مردم و تصمیم در محل، فرمانداری و بخشداری و اداره آبیاری میتوانند دست بعمل بزنند و دیگر کاغذ بازی اداری را کنار بگذارند». در نامه آنها نوشته شده است: «آیا این مقامات اداری نمیدانند که شرب مزارع فقط با اقدامات عملی امکان پذیر است؟ آیا نمیدانند که بوسیله پولهای تکیه بممیزان ۲٪ توسط روستائیان پرداخت شده و موجود است میتوان نیازهای مبرم و از جمله کم آبی هستند، یک وظیفه انقلابی است.

## ساکنان افسریه چه میخواهند؟

افسریه در جنوب شرقی تهران قرار دارد و منطقه ای است کارگر نشین با جمعیتی در حدود ۱۵۰۰۰ نفر. اهالی منطقه در زمان رژیم فاسد محمد رضاشاهی از هر گونه امکانات رفاهی از قبیل آب، برق، تلفن، بهداشتی، اسفالت و در یک کلام حداقل احتیاجات تکیه برای حیات یک انسان، بمنوان ضرورت اولیه زندگی لازم است، محروم بودند. حال که انقلاب ایران، بیاری نبرد قهرمانانه مردم این منطقه، در اتحاد با دیگر زحمتکشان ایران، به پیروزی رسیده و با توجه به اینکه ساکنین این منطقه، بنا به توصیه رهبر انقلاب، صبر انقلابی پیشه نموده، خواستهای خود را تاکنون فقط از طریق مکاتبه با مسئولان امور دولتی در میان گذاشته اند، با اینکه دولت موقت هیچ اقدام مثبتی در جهت خواستهای زحمتکشان این منطقه نکرده است.

یکی از احتیاجات اساسی ساکنین این منطقه تأمین برق است که در این هوای گرم، از عمده ترین نیازهای هر خانواده است. مشکلی که مردم این منطقه برای تأمین برق مصرفی خویش دارند اینست که، هر شب بعد از آنکه از کار خسته کننده روزانه به خانه برمیگردند، باید بسا ساکنین خیابانی که در آن برق کشی شده گلاویز شوند. توضیح آنکه خیابانها بصورت موازی و ده متری به فاصله ۵۰ متر از هم قرار دارند و از یک الی ۴۵ شماره گذاری شده اند؛ مثلاً در یک خیابان برق کشی شده و چندین خیابان بعد از آن برق کشی نشده، در نتیجه ساکنین این خیابانها برای تأمین برق خویش، خود اقدام به سیم کشی از خیابانی که برق کشی شده میکنند، که اولاً بعلمت وارد نبودن کسی که سیم کشی میکند، خطر جانی وجود دارد، ثانیاً در نتیجه استفاده بیش از حد از یک فاز، یا بعبارت دیگر بار زیاد، موجب ضعف شدن روشنائی و کم شدن ولتاژ، که موجب از کار افتادن یخچال و سایر وسایل برقی، که ولتاژ آنها تنظیم شده است، میشود، و این جریان در موقعیت حساس کنونی تخم کین و تفاق میان نشان می افشانند.

البته چندین بار مسئله با مقامات مسئول مطرح شده که گفته اند فدا لودت بودجه ندارد! ساکنین افسریه میگویند: ما حاضریم مجانی کار کنیم و هزینه آنرا نیز بپردازیم. ولی با همه اینها هیچگونه اقدامی از طرف مسئولان دولتی صورت نرفته است. سؤال اینست که، چه کسانی دست اندر کارند تا نظر زحمتکشان را، که سهمی واقعی در به ثمر رساندن انقلاب داشته و یکپارچگی خود را حفظ نموده اند، نسبت به انقلاب بدبین کنند؟ و چرا بنخواستهای بحق آنان پاسخ داده نمیشود؟

ساکنان این منطقه میگویند: در صورتیکه بخواست آنان رسیدگی نشود، آنان در اداره برق دست به تحصن خواهند زد.

## زمینهای زراعی ما سال را بخود دهقانان بدهید

سر تیب سعادت مند، این اراضی را از دست دهقانان در آورد و بزور تصرف کرد. دست عادل انقلاب، این ساواکی مالک را بیجایزات خود رساند و او معدوم شد. ولی حالا دهقانان بحق میطلبند که اصل مطلب هم حل شود و زمینهای زراعی بخود دهقانان، که زحمت میکشند و

تکراراً از اجانب دهقانان ما سال به «مردم» مراجعه شده است. این دهقانان میطلبند که حقوق مسلم آنها بر زمین از طرف مقامات مربوطه برسمیت شناخته شود. این زمینها مال خود این دهقانان بود، ولی در زمان رژیم غارتگر پهلوی، که از عمال ساواک نام

## توطئه دامنه‌داری که امپریالیسم تدارک دیده:

# کتاب سوزان و حمله وسیع ضد انقلاب به آزادیهای دمکراتیک

■ حزب توده ایران، یکبار دیگر،

ضمن محکوم کردن حمله به آزادیهای

دمکراتیک، جداً خواستار جلوگیری از اینگونه

اعمال است.

ضد انقلاب توطئه سازمان یافته‌ای را علیه حزب توده ایران و دیگر سازمانهای مترقی در نقاط مختلف به اجرا گذاشته است. عناصر مشکوک چندی است در شهرهای مختلف به دفاتر حزب توده ایران حمله میکنند، باشیوه‌های فاشیستی وسایل این دفاتر را درهم میشکنند، پوستر شهدا را پاره میکنند و رفقای حزبی ما را مضروب می‌نمایند. در چند شهر هم افراد سازمان یافته ضد انقلابی به کتابفروشیهای که نشریات حزب در آن فروخته میشود، حمله کرده و حتی کتابسوزان براه انداخته‌اند.

بر اساس اخبار رسیده، در چند روز گذشته موارد زیرین دیده شده است:

### ■ زنجان

روز سیام خرداد گذشته، برای اولین بار بعد از آغاز فعالیت علنی حزب توده ایران در زنجان، عناصر مشکوک به ساط فروش نشریات حزب توده ایران حمله کردند. آنها که به هیچ منطقی گوش نمی‌دادند، پوستر رفقای شهید روزبه، حکمت‌جو، و کیلی و روزنامه مردم را پاره کردند و گریختند. بدنبال این ماجرا، این افراد کوشیدند مردم را علیه حزب توده ایران تحریک کنند، اما با افساء و محکوم کردن عمل آنها از طرف سازمانهای مترقی مذهبی، تیرشان به سنگ خورد.

### ■ اراک

روز دوشنبه یازدهم تیرماه، هنگامیکه یکی از هواداران حزب توده ایران در خیابان امام خمینی اراک مشغول پخش اعلامیه و حزب توده ایران و مذهب، به نقل از روزنامه مردم سود، مورد حمله یک ناشناس قرار گرفت و بشدت مضروب شد. ماجرا باین ترتیب رخ داد که وقتی رفیق ماسرگرم پخش اعلامیه بود، فردی به او نزدیک شد و گفت: «یده ببینم چه چیزی پخش میکنی؟» رفیق ما یک اعلامیه به شخص ناشناس داد و این شخص به محض دیدن نام حزب توده ایران اعلامیه را پاره کرد و شروع بدشنام دادن نمود و به رفیق ما یورش برد. رفیق ما باو گفت: «اول اعلامیه را بخوانید، اگر بد بود، آنرا پاره کنید.» اما شخص ناشناس بدون توجه به این حرف سعی کرد بقیه اعلامیه‌ها را گرفته پاره کند. رفیق ما، که متوجه منظور او شده بود، سعی کرد عابران را، که متوجه ماجرا شده بودند، در جریان بگذارد و اعمال شخص ناشناس را افساء کند. وقتی عابران، در مقابل توضیحات رفیق ما، حق را با او دادند شخص ناشناس در حالیکه به حزب دشنام‌های رکیک میداد، باز هم به رفیق ما حمله کرد و او را بشدت مضروب نمود. شدت حمله بعدی بود که رفیق حزبی ما چند روز در بیمارستان بستری شد.

### ■ پابلسر

در پابلسر هم ضدانقلاب، حمله وسیعی را به نیروهای مترقی به انجام رساند. این توطئه توسط چند شخص سرشناس، که سابقه همکاری با ساواک داشته‌اند، در مدرسه عالی پابلسر، که اکنون مدرسه عالی «ایوب معادی» نامیده میشود، به مرحله اجرا در آمد. آنها بعد از انتخابات شورای مدرسه عالی پابلسر، به این بهانه که شورا بدست کمونیستها افتاده و رئیس مدرسه عالی چپی است، فعالیت وسیعی را علیه نیروهای مترقی آغاز کردند و سرانجام ساعت ۷/۵ بعد از ظهر شبیه نهم تیرماه، در حالیکه نزدیک به ۳۰ نفر را، که به قه و چاقو و تیغ مسلح بودند، راهنمایی میکردند، از بیرون وارد محل مدرسه عالی شدند؛ ابتدا به طبقه چهارم رفتند و در آنجا به اتاق دانشجویان پیشگام و دیگر گروهها یورش بردند، وسایل اتاقها را درهم شکستند و مقدار زیادی لوازم دیگر را همراه بردند.

این گروه مشکوک، در سالن دانشکده عکس‌شدهای خلق را، که در مبارزه با رژیم شاه مخلوع خون خود را به پیشگاه توده‌ها هدیه کرده بودند، پاره کردند. و بعد به دفتر انجمن دانشجویان دمکرات حمله بردند، نشریات و کتابهای موجود را پاره کردند، وسایل دفتر را درهم شکستند و روی تمام دیوارهای مدرسه عالی شمارهای ضد کمونیستی نوشتند، جالب اینکه نیمساعت بعد از هجوم این عناصر مشکوک، مأمورین کمیته شهر پابلسر به پشتیبانی از حمله کنندگان به محل آمدند و تا پایان عملیات وحشیانه ضد انقلابیون، با تفنگ از آنها پشتیبانی کردند.

روز بعد دانشجویان دمکرات و دیگر گروههای مترقی مدرسه عالی پابلسر، در اعلامیه‌های خود این یورش وحشیانه را محکوم کردند. اما، صبح روز بعد، این گروه، در حالیکه شمارهای ضد کمونیستی میدادند، دوباره به محل مدرسه عالی آمدند و یکی از عناصری که قبلاً با ساواک همکاری میکرد، برایشان سخنرانی کرد که البته چیزی غیر از افترا و فحاشی به کمونیستها نبود، بدنبال این

یورش امتحانات مدرسه عالی پابلسر متوقف شد و استادان و اعضای هیئت علمی، که توسط ضد انقلابیون تهدید به تکه تکه شدن با چاقو شده بودند، برای مطلع کردن مقامات مسئول به تهران رفتند.

### ■ بروجرد

شب یازدهم تیرماه هم شبیه این حوادث در بروجرد تکرار شد. ساعت ۱۱ این شب، گروهی با شماره «مرگ بر کمونیست» به خیابانها ریختند و قصد آتش زدن کتابفروشیها و دکاهای فروش نشریات را داشتند که با مخالفت یک گروه مذهبی روبرو شدند و متفرق گردیدند. ساعت ۸ شب بعد، گروهی نزدیک به ۵۰ نفر به خیابان مرکزی شهر ریختند و در حالیکه شمار «امشب هشدار، فردا کشتار» و همچنین شعارهای ضد کمونیستی میدادند، به حرکت درآمدند و برخی از روزنامه‌هایی را که در دکاهای روزنامه فروشی شهر وجود داشت، پاره پاره کردند. این گروه که تعدادشان به نزدیک ۳۰۰ نفر رسیده بود، سپس به میدان بروجردی رفتند تا سیمسا داریوش را، که یک فیلم آموزنده نشان میداد و پر از تماشاچی بود، آتش بزنند. تماشاچیان سینما، که از تکرار حادثه سینما رکس آبادان حراس داشتند، سراسیمه بیرون ریختند. مخالفت مردم و دخالت کمیته باعث شد که مهاجمان از تصمیم خود منصرف شوند.

مهاجمان بعد از این حادثه مسیر خود را عوض کردند و به طرف کتابفروشی نیا در خیابان مصدق رفتند و شیشه‌های آنرا شکستند. مهاجمان میخواستند کتابفروشی را آتش بزنند که با اعتراض شدید همسایه‌ها روبرو شدند و بناچار منصرف گردیدند. مهاجمان، که عده‌ای مسلح هم همراهشان بودند، به کتابفروشی روزبه، که در آن انتشارات حزب توده ایران فروخته میشود، حمله کردند؛ شیشه‌های کتابفروشی را شکستند، همه نشریات و کتابهای موجود، از جمله مقادیری کتابهای مذهبی را بوسیله خیابان ریختند و به آتش کشیدند. بر اساس اخبار رسیده، متأسفانه در میان مهاجمان، چند تن از افراد کمیته بروجرد و یکی از سرپاسداران، که قبلاً مانع اعمال ضد دمکراتیک میشدند، دیده شده‌اند. روز بعد، با اینکه همه کتابفروشیهای شهر بسته بود، گروهی نزدیک به ۲۰ نفر، با همان شعارهای شب قبل در خیابانها حرکت کردند، اما درگیری پیش نیامد.

بدنبال این حوادث، مسئولین کتابفروشیها دسته جمعی به کمیته رفتند و خواستار حفظ آزادی و امنیت محل کسب و کار خود و تعقیب مسببین حوادث چند روز گذشته شدند. مسئولان کمیته بروجرد ضمن تأیید آزادیهای دمکراتیک و محکوم کردن اعمال انجام شده، تهدید سپردند که در صورت تکرار این وقایع، مأمورین مسلح کمیته دخالت خواهند کرد. اما دوشنبه، باز هم چند فرد مشکوک با چاقو به کتابفروشیهای کنار خیابان حمله کردند، و با اینکه تلفنی ماجرا به کمیته خبر داده شد، کمیته بر خلاف قولی که داده بود، هیچگونه عکس‌العملی نشان نداد.

گروه اسلامی شریعت، طی اطلاعیه‌ای این اعمال را محکوم کرد و نوشت: «شب گذشته برای سومین بار شاهد نفوذ ارتجاع و عوامل ضد اسلامی و ضعف دستگاههای اجرائی شدیم. تظاهرات عده‌ای افراد ناآگاه و تحریک شده بوسیله افراد مرتجع و ضد انقلاب اسلامی، منجر به آتش کشیده شدن کتابها و تحریب کتابفروشیهای وابسته به چپ گردید.»

در حال حاضر از ۷ کتابفروشی بروجرد، تنها ۲ کتابفروشی باز است.

### ■ تهران

این حوادث، که بیگمان توسط ضدانقلاب تدارک دیده شده، تنهادر شهرستانها اتفاق نمی‌افتد. روز شانزدهم تیرماه فردمشکوکی در یکی از کمیته‌های تهران هم نشریات حزب ما را به آتش کشید. ماجرا از این قرار بود که وقتی یکی از رفقای ما در میدان شوش سرگرم فروش مردم و دیگر نشریات حزب بود، چند فرد مشکوک مزاحش شدند و چند دقیقه بعد دو مأمور کمیته از راه رسیدند و به رفیق ما گفتند: «فروش روزنامه مضره ممنوع است.» رفیق ما به آنها گفت: «طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران فروش نشریات آزاد است و با اضافه روزنامه مردم مطلب مضره ندارد.» دو مأمور از رفیق ما خواستند برای توضیح بیشتر به کمیته بروند. اول او را به کمیته خیابان جنوبی میدان شوش بردند. شخصی که آنجا بود، در قبال توضیحات رفیق ما گفت: «راستش من از سیاست سرد نمی‌آورم!» رفیق ما را از آنجا به کمیته میدان خراسان بردند و چون در آنجا هم نتوانستند تصمیم بگیرند، او را به کمیته مسجد لزه‌افرو بردند. شخصی که در آنجا بود، ابتدا سعی کرد ثابت کند که روزنامه مردم

## پوستر پاره کن‌ها

### چه کسانی هستند؟

در شماره ۳۷ روزنامه «مردم» مطلبی تحت عنوان «پوستر پاره کن‌های حریف‌های را دستگیر کنید» نوشته شده بود که در آن لزوم مبارزه با این عناصر تشریح شده و از جمله در مورد هویت این افراد گفته شده بود که، بیشتر اینها از اوباشان، معتادان و ولگردان هستند. در آن مقاله همچنین آمده بود که اینها بصورت گروههای انگشت‌شمار در خیابانها پوسترها و عکسهای را که بدیوار زده شده‌اند، پاره میکنند و از ترس عکس‌العمل مردم بسرعت فرار میکنند و اغلب اتومبیلی برای گریز از صحنه به همراه دارند.

گزارشهای بعدی، ماهیت واقعی این عناصر را بیشتر روشن ساخت و آشکار شد که این عناصر، بویژه آنها تیکه به پوسترها و نشریات دیواری حزب توده ایران هجوم می‌برند، از افراد ساواک‌اند و طبق مأموریت مشخص و بگونه سازمان یافته‌ای به این عمل دست می‌زنند.

یکی از گزارشگران «مردم» مینویسد:

«روز پنجشنبه ۲۱ تیرماه، ساعت ۱۳/۱۵ از محل کارم به طرف دانشگاه تهران میرفتم. به دو نفر، که در حدود ۳۵ سال سن داشتند، برخورد کردم که سرمقاله‌ای از «مردم» را، که بر دیوار بانک ملی ایران و جلوی دبیرستان انوشیروان دادگر، روبروی هتل پالاس چسبانده بود، پاره میکردند. هنگامیکه به آنها اعتراض کردم، ابتدا گفتند: «اینجا کشور اسلامی است و ما همه اعلانات حزب توده را پاره میکنیم.» در این موقع دیگری شروع به فحاشی به حزب توده ایران کردند. من باو گفتم: «اگر توطئه‌دار اسلام هستی، اسلام هیچگاه چنین طرز برخوردی را با گروههای دیگر مجاز نمیشمارد، این چه اسلامی است که توداری؟» آنها مجدداً شروع به فحاشی کردند و ناگهان گفتند که: «ما ساواکی هستیم و همه اعلانات حزب توده را پاره میکنیم.» من درصدد برآمدم مردم را به کمک بطلم و بوسیله مردم آنها را دستگیر کنم. ولی در آن موقع روز هیچ عبور و مروری در آن محل نبود و من هم به تنهایی قادر به این کار نبودم. آنها سپس بطرف یک اتومبیل ب.ام. و. قهوه‌ای رنگ رفتند.»

از گزارش فوق چند نتیجه بسیار مهم بدست می‌آید، نخست آنکه ضد انقلاب بر نامه‌کاملاً سازمان یافته‌ای بویژه در ارتباط با مبارزه علیه حزب توده ایران طرح‌ریزی کرده و با پیگیری آنرا دنبال میکنند. دوم این که ماهیت عناصری که بدفاتر حزب و فروشندگان نشریات حزب حمله میکنند، روشن‌تر میشود. سوم اینکه دخالت قاطع و سریع دولت در ممانعت از اینگونه اقدامات ضد انقلابی ضروریتر میگردد. چهارم این که ضد انقلاب جسورتر و بی‌پروا تر شده، تاحدی که صریحاً به اعمال ضد انقلابی و ماهیت کثیف خویش اعتراف و خود را معرفی میکنند.

هیچکس تردید ندارد که سازمان جهنمی و چنانیکار ساواک دست پرورده «سیا» و اجراءکننده طرح‌های آنست و در این واقعیت هم تردیدی نیست که هر چه ضد انقلاب ایران ضریبات محکمتری بر منافع امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی آن وارد میکند، ضد انقلاب نیز خصمانه‌تر و مضطرب‌تر شده و اقدامات خود را شدت میبخشد.

چند هزار ساواکی با جدیت تمام به اجرای طرحها و توطئه‌ها و تحریکات سازمان یافته سیا مشغولند و در این راه زیانهای جدی به انقلاب ما وارد میسازند. تجربه نشان داده که این عاملان کثیف و چنانیکار ضد انقلاب و این حامیان فساد و اختناق، بزرگترین تکیه‌گاه امپریالیسم در کشور ما هستند و در خدمت به آن از هیچگونه رذالتی ابا ندارند.

دولت موقت موظف است با پیگیری و برخورد مسؤولانه، ساواکیها یعنی، عمال چنانیکار رژیم تبهکار پهلوی را تعقیب و به مجازات در خورشان برساند. آزادی ایشان بزرگترین خطر برای انقلاب ماست.

«ضد انقلابی» است؛ اما در مقابل استدلال رفیق ما، حرف آخرش را زد و گفت: «آزادی قلم و بیان فقط باید برای اسلام وجود داشته باشد.» بعد دستور داد روزنامه‌ها و کتابهای رفیق ما را آتش بزنند و پاسداران هم همین کار را کردند.

حزب توده ایران، یکبار دیگر ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال، اعلام میدارد، ادامه حمله به آزادیهای دمکراتیک بیش از همه بسود ضد انقلاب تمام میشود. امپریالیسم و ارتجاع نه فقط از این اعمال بسود هدفهای شوم خود سوء استفاده میکنند، بلکه بوسیله اعمال خود در سازمان دادن این اعمال ضد انقلابی دست دارد.

از طرف دیگر مرکز کشیدن بین مسلمانان و غیر مسلمانان، توسط برخی عناصر مشکوک که در کمیته‌ها نفوذ کرده‌اند، به تفرقه مردم می‌انجامد و این آن چیزی است که امام خمینی بحق آنرا سم مهلک برای انقلاب میدانند.

ما از مسئولان مملکتی جداً میخواهیم که با قدرت مانع اجرای توطئه‌های ضد دمکراتیک شوند و هر چه زودتر کمیته‌ها را پاک سازی کنند.

نقد سینما

# ابعاد فاجعه آفرین يك (تجربه)

فیلم «شب روی شیلی»، روایت کودتای خونین سپتامبر ۷۳ شیلی است. فاجعه‌ای که آرمانها و آرزوهای انسانی و آزموهای دشوار و دردناک نسلی کامل از خلق مبارز شیلی را به پایانی خونبار کشاند. فیلم تا دستیابی به يك پرداخت هنری سالم و تکنیک سینمایی قوی، راهی دراز دارد. اما بی‌گمان نمونه‌ای از سینمای متعهد و بیکار جونی است که افشاکاری سیاسی و تهییج انقلابی را هدف اصلی خود قرار داده است. درینا که در سینماهای تهران، این انتظار را نیز از فیلم میگیرند. فیلم «شب روی شیلی» دو بار، از صافی سانسور گذشته است، یکبار بروی میزمتولیان «فرهنگی» و بار دیگر در روی میز «دوبلاژ».

ضعفها و نقائص فنی «شب روی شیلی» قابل درک است. سینمای مردمی شیلی، در اوایل سال ۱۹۶۰، با تأسیس «کانون سینماگران انقلابی» پا گرفت و تا زمان کودتای گامهای مؤثری در آگام سازی توده‌ها برداشت و آثار ارزنده‌ای به سینمای جهان عرضه نمود. با افول خونین دموکراسی در شیلی، سینمای سیاسی شیلی، مانند دیگر میراثهای فرهنگ خلق، به قربانگاه فاشیسم برده شد. سینماگران جوان انقلابی تار و مار شدند. عده‌ای که موفق به مهاجرت شده بودند، در دیگر کشورهای آمریکای لاتین، با شرایط دشوار و توان فرسا، کار خود را از سر گرفتند. بدین سان، سینمای «تیمیدی» شیلی در میان خون و شکنجه و بیداد متولد شد. سینماگران مهاجر شیلی، در کنار فیلمهای کوتاه مستند سیاسی، به باز آفرینی واقع‌گرایانه جنایات کودتاچیان می‌پرداختند. نوعی واقع‌گرایی صریح و خشن، بدون آرایش‌ها و زیورهای «هنری» برسینمای سیاسی امروز شیلی حاکم است، که رگه‌هایی از آن در فیلم «شب روی شیلی» قابل مشاهده است.

مضمون اصلی فیلم، حوادث کودتای نظامیان است، که به دلایلی که بر شمرديم، تا حد زیادی در ابهام و ناروشنی مانده است. چهره امپریالیستهای آمریکایی و شرکتهای چند ملیتی و بویژه آی. تی. تی. و صاحبان «اناکوندا»، اولیکارشی زر و زور و تزویر (سرمایه داران بزرگ شیلی، فرماندهان مرتجع ارتش و گردانندگان دستگاه بوروکراتیک، بخش ضد خلقی و وحشت‌زده کلیسای کاتولیک)، که سازمان دهندگان کودتا هستند، روشن نمیشود، تزلزل قشرهای میانه و عواقب هجوم عظیم تبلیغاتی و کارشکنی‌های اقتصادی بر روی توده مردم با زتابی در فیلم ندارد. سرگردانها و اشتباهات جبهه مؤتلفه ملی نیز جای واقعی خود را در سلسله عوامل و اسباب این رویداد خونین پیدا نمیکند. فقط این بجای میماند که، بر روی شیلی شب سیاه فاشیسم گسترده میشود.

در سپتامبر ۱۱ ۱۹۷۳، نهال مقدس دموکراسی در شیلی به زیر «پاشنه آهنین» نظامیان میافتد. نیروهای موتوریزه ارتش وابسته به آمریکا و مچری خواست انحصارها و بورژواها، «سانتیاگو» زحمتکشان را فتح میکنند. طی چهار روز نبرد نابرابر، دهها هزار تن از پیشاهنگان طبقه کارگر به قتل رسیدند و بزندانها افتادند. آمریکا صریحاً اعتراف کرد که عاملان سیا و پنتاگون طراحان اصلی کودتا بوده‌اند. از فردای کودتا قتل‌عام وسیع هواداران دولت آلینده، دولت جبهه مؤتلفه ملی، آغاز شد. فیلم «شب روی شیلی» خشونت و روشهای ددمتانه‌ی گوریل‌های شیلی را رسوا میسازد و یکی از وحشیانه‌ترین جنایات امپریالیسم آمریکایی علیه خلقهای ستمدیده‌ی جهان را باز می‌نماید.

ساختمان فیلم سست، آشفته و رنگ باخته است. فیلم بانمای عمومی شهر ماتم زده و خاموش «سانتیاگو» آغاز میشود. در قلب شهر، حرکت وقیح و تهدیدکننده‌ی يك کامیون ارتشی، این آرامش را مهدرد. نظامیان مسلح يك جوان رزمنده را تعقیب میکنند. جوان به خانه‌ی دوستش «مانوئل» پناهنده میشود. «مانوئل» که، از دروس های سیاسی بیزار است و مایل است «بی‌طرف» بماند، ناخواسته به جنگ جلاوران «پینوشه» می‌افتد. از این پس یکی از خطوط اصلی فیلم، که کما بیش سالم مانده، مشاهدات مانوئل است در شکنجه‌گاهها و «استادیوم». از مقاومت دلیرانه کارگران در کارخانه‌ها و کوی کارگران حرفی بمیان نمی‌آید. تنها تسلیم آنهاست که نشان داده میشود. همچنین از فاجعه‌ی خونین «استادیوم» و نیز کشتارهای گروهی دار دست‌های پینوشه خبری نیست. سازندگان فیلم خود به ضعفهای کار خود باور دارند، «خوان گونزالس» می‌گوید:

«سینما با واقعیت فرق میکند. واقعیت صدها بار از فیلم بدتر است». بافت و ساختمان فیلم میان پرداخت دراماتیک و داستانی يك زندگی و بیان تاریخی يك فاجعه، سرگردان است. در نتیجه نه شخصیت مانوئل به درستی تصویر میشود نه حوادث کودتا دنبال می‌گردد. فیلم در اقلای خشونت حیوانی نظامیگری به موفقیتهایی دست می‌یابد، از جمله صحنه شکنجه‌گاه یا اعدام کودک و تیرباران دروغین مانوئل، که برای شکستن مقاومت او انجام می‌گردد. در فیلم تماور درخشانی از تجسم قدرت غیر انسانی فاشیسم به چشم می‌خورد. کلاه‌خودی که چهره کشیک را پوشانده است، یا

## گروههائی در ارتش برای کودتا تدارک می‌بینند

نامه‌ای با مضمون زیرین به «مردم» رسیده است: «در درون ارتش از جانب عناصر وابسته به رژیم پهلوی، که هنوز تصفیه نشده‌اند، گروههائی بنام «ضربه انتقام» تشکیل شده است. این گروهها، که مخفیانه فعالیت میکنند، ضمن تبلیغ خصمانه بر علیه انقلاب و امام خمینی، برای کودتا تدارک می‌بینند.»

## بادی از يك کارگر کم‌نسال توده‌ای

سال گذشته، در چنین روزهایی، محمد احمد نژادان، کارگر توده‌ای که نسال درگذشت، بر سنگ نبشته‌گوری، در نقطه دور افتاده‌ای از جنوب کشور، بنام او در دفاتر، چنین میخوانیم: «نمیرم و نمیرند کسانی که ره خلق بگیرند.» زنده یاد مبارز توده‌ای، محمد احمد نژادان، متولد سال ۱۲۸۰ و متوفی بتاریخ ۱۳۴۶، ۵۷ روزه هم‌دوش مردم مبارز کرد، یار زحمتکشان بود، خودش زحمتکش و خواهان پیروزی طبقه کارگر. با امید به اینکه پیروزی نزدیک است، زیست و هنگامیکه طلایه انقلاب نزدیک میشد، از میان ما رفت. وی کارگری توده‌ای بود در بخش ماشینهای سنگین سی. ام. دبل‌یو، در آبادان، در شرکت نفت کار میکرد. در سال ۲۵ تجسم آرمانهای خویش را در حزب توده ایران یافت و به آن گروید. پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، تحت تعقیب قرار گرفت و بناچار با کمک هم‌زمانش از شهر گریخت و به ده موطنش، «اوز» آمد و بکشاورزی پرداخت. وجه مشخصه او عشق بی‌پایانی به حزب توده ایران و آرمانهای طبقه کارگر بود. دوستانش میگویند که بجزرات میتوان گفت که در تمام مدت فعالیت رادپوی يك ایران، مگر اجباراً، او حتی یکروز از گوش دادن برادپوی يك، این آرای بی‌بند توده زحمتکش باز نیاستاد. همیشه می‌گفت، من با حزب پیوند دارم. وقتی از او میپرسیدند، چگونه می‌گفت، از طریق رادپوی يك! بسیاری از جوانانیکه سردوگرم روزگار نه‌شیده‌ودل بجمله، پردازها خوش میکردند،

## رفیق علی خاوری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران در نهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال

اخیراً نهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال در نزدیکی لیسبون - مرکز بزرگ کاری و صنعتی پرتغال، در شهر بارپرو، زیر شماره «همراه پرتغال» در راه دموکراسی برگزار شد.

رفیق الواروکونیا، دبیر کل حزب، گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال را با اطلاع شرکت‌کنندگان در کنگره رسانید. وی ضمن تحلیلی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور از جمله گفت:

«حزب کمونیست پرتغال استوارترین و پیگیرترین مدافع آزادی، دستاوردهای انقلاب ما، مدافع رزمنده و خستگی‌ناپذیر وحدت طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور و پرچمدار تلاش برای نزدیکی و تقاض و عمل مشترک همه دموکراتهای کشور است. زندگی نشان میدهد که بدون زحمتکشان و حزب کمونیست نمیتوان از دموکراسی حمایت کرد و آنرا پا برجا داشت.»

رفیق کونیا افزود: «تقویت حزب کمونیست نه تنها پاسنگوی کمونیستها، بلکه همه کسانیست که خواستار پیشرفت پرتغال در راه آزادی و دموکراسی و ترقی و استقلال ملی هستند.»

رفیق الواروکونیا اعلام داشت که، «نیروهای امپریالیسم و ارتجاع قادر نیستند که تاریخ بشریت را، که در راه آزادی و استقلال، صلح و ترقی اجتماعی گام بر میدارد، متوقف سازند. گواهی صادق این امر حضور نمایندگان نخستین کشور سوسیالیستی در جهان، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، و سایر کشورهای سوسیالیستی، نمایندگان احزاب قهرمان کمونیست کارگری و جنبش آزادیبخش ملی از دهها کشور در کنگره حزب کمونیست پرتغال است.»

پس از گزارش رفیق الواروکونیا، نمایندگان کنگره در بحث خلاق و آزاد، به بررسی زندگی و سیاست حزب پرتغال پرداختند.

رفیق علی خاوری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، به نمایندگی از جانب حزب توده ایران، پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران را به کنگره ابلاغ نمود که در آن از جمله گفته میشود:

«خوشوقیم از اینکه بمناسبت حادثه بزرگ و تاریخی اجلاس نهمین کنگره حزب شما، صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به کمیته مرکزی، دبیر کل حزب کمونیست پرتغال رفیق الواروکونیا و همه اعضاء حزب پرتغال، که با یکبار قهرمانانه خود قلب رزمندگان واقعی راه آزادی و استقلال خلق را، مالمال از احترام و شادی کرده است، تقدیم داریم.»

نبرد دلیرانه حزب شما از ابتدای تأسیس آن در ۱۹۲۱، در دوران کار مخفی علیه فاشیسم، برای آزادی و حقوق دموکراتیک خلق پرتغال، بخاطر استقلال و آزادی تمام خلقهای اسپان و زندانی بیداد و مستحکومت خودکامه و مستمکر پرتغال، بحق احترام عمیق خلق زحمتکش میهن ما را برانگیخته است.

حزب کمونیست پرتغال، که در دوره مبارزات سخت آبدیده شده است، همواره به مبارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پیروتری، به تعهدات مقدس خود در قبال طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا، تأمین دموکراسی، استقلال ملی و تلاش برای بهبود شرایط زندگی زحمتکشان، تحکیم هر چه بیشتر همبستگی با کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیست و کارگری، جنبشهای آزادیبخش ملی، بخاطر استقلال و آزادی وفادار بوده است.

حزب شما با حزب توده ایران، که در شرایط سخت فاشیستی دیکتاتور خائن و وطن فروش، یکی از جلاوران بزرگ قرن، صدها و صدها شهید و هزاران زندانی مبارز داده است، همبستگی برادرانه و فعال داشته است. این همبستگی در دوران درگیریهای بزرگ و مبارزات کم نظیر انقلابی خلق ایران با دیکتاتور سرسپرده امپریالیسم آمریکا، نسبت به خلق ایران ادامه داشت.

حزب شما، طبقه کارگر شما و سایر زحمتکشان کشور شما، در این نبرد سرفروخت ساز خلق ایران، در جبهه دوستان و حامیان بی‌قید و شرط انقلاب بزرگ خلق ما قرار داشتند. این همان جبهه شناخته شده کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیست و کارگری و مردم زحمتکش و صلح‌دوست سراسر جهان است که در مقابل نیروهای امپریالیسم، صهیونیسم و حامیان جنگ و تجاوز با استقلال ملی و آزادی خلق قرار گرفته است.

رقبای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران، بنام همه اعضاء حزب توده ایران، برای کنگره شما، برای کمیته مرکزی حزب شما، برای شخص رفیق الواروکونیا و برای همه افراد حزب کمونیست پرتغال، این رزمندگان راستین استقلال و دموکراسی، صلح و سوسیالیسم کامیابهای درخشانی آرزو میکنند.

نهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال با موفقیت کامل پایان یافت. اینک رزمندگان کمونیست پرتغالی، با نیرو و امید جدیدی، به مبارزه برای حفظ و تحکیم استقلال و دموکراسی و بهبود وضع زحمتکشان در پرتغال ادامه میدهند.

در مقابله با سخن پرشور او، که با حرارت يك جوان و با منطق يك کارگر آگاه و آبدیده سخن میگفت، در میماندند. در سال ۱۳۵۲، در سن ۷۲ سالگی دچار یکی از یورشهای ساواک شد، گرفتار دژخیمان گشت و شش ماه در زندان عادل آباد شیراز زندانی بود. در اینجا او بستنی چند از سرداران حزبش، افسران توده‌ای، که در آن زمان بیست سال

از زندانی شدن نشان میگذاشت، آشنا شد. دستها و دلها بهم گره خورد. کارگر که نسال هرگز مهر این یلان در بند را، که صمیمانه بخاطر حزیشان و آرمانهایشان رنج و سختی را بر خود هموار میکردند، از دل بیرون نکرد و تادم مرگ بهاد آنان بود، اگر چه نتوانست آزادی افسران توده‌ای را بعد از ۲۵ سال

زندانی به بیند. او تا آخرین لحظه عمرش عشق بی‌پایانی را بجزب بیان میداشت و آخرین وصیتش به جوانانی که او را میشناختند این بود که، «حزب را فراموش نکنید!» بسیاری کسانی که در خوزستان و در فارس خود رافرو زندمنوی او میداندند یادش را گرامی میدارند و برایش میروند.

چکمه‌ی پولادینی که سر مبارزی را میفشارد. مضمون داستانی فیلم، تغییر تدریجی شخصیت مانوئل، از صورت يك انسان بی‌طرف یا خنثی، به سوی رزمندگی است. او در عین بی‌طرفی، به همکاری با نظامیان مظهر سلطه امپریالیستها رضایت نمی‌دهد. ناتوانی فیلم در پرداخت صحیح این مضمون، بیشتر ناشی از فقدان بینشی تحلیلی در بررسی مناسبات حاکم بر جامعه‌ی کودتا زده است. مانوئل، که فیلم با تثبیت چهره‌ی او پایان مییابد، مظهر مقاومت خلق خاموشی است که پس از پشت سر گذاشتن «تجربه» ای خونین و وحشت‌بار، دیگر «بی‌طرف» نیست و با دلیری و جانبازی به سوی میدانهای راستین مبارزه گام بر میدارد.

### نماینده «مردم» در سفارت جمهوری عراق

روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۵۸، بمناسبت سالگرد انقلاب مراسمی در سفارت جمهوری عراق برگزار شد که نماینده «مردم» نیز بنا به دعوت رسمی سفارت جمهوری عراق در این مراسم شرکت کرد.

### تسلیت

با اندوه فراوان، از خبر درگذشت مادر رفیق شهید مرتضی کیوان اطلاع یافتیم. این ضایعه را به خانواده کیوان صمیمانه تسلیت می‌گوییم. «مردم»

# امیر یالیسم امریکا دشمن آزادی و استقلال همه خلقهای جهان است

مردان مسلح جبهه ملی رهائی بخش ساندینستا در نیکاراگوئه، همچنان به پیشروی خود ادامه میدهند و مواضع رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی سوموزا را یکی پس از دیگری بصرف خود درمیآوردند. در چند روز اخیر موضع مقاومت مهم «سان مارکوس»، درسی و دو کیلومتری پایتخت نیکاراگوئه به تسخیر قیام کنندگان در آمد. موفقیت در عملیات نظامی روزهای اخیر به نیروهای جبهه ملی رهائی بخش امکان داد که مواضع مناسبی را جهت زیر ضرب به قرار دادن مستقیم ما ناگوئه و شکست نهائی ارتش مزدور رژیم دیکتاتوری تصرف کنند. در نیکاراگوئه ابتکار عملیات در همه جبههها بدست نیروهای مسلح قیام کنندگان است.

ایالات متحده امریکا، از پایگاههای نظامی خود در پاناما، نیروهای تازه نفس و وسائل و تکنیک جنگی با هوایما به نیکاراگوئه میفرستد. طبق اخبار رادیوی پاناما، که مورد تأیید وزارت امور خارجه پاناما قرار گرفت، از شانزدهم تا سی و یکم ژوئن، از پایگاه نظامی آمریکا «چارلستون» در پاناما، هواپیماهای امریکائی (اس-۱۳۰) صد و پنجاه پرواز به شهرهای مختلف نیکاراگوئه انجام داده اند. بوسیله این هواپیماها، علاوه بر اسلحه و مهمات، گروههای ضربتی مزدور که دورههای ویژه جنگهای ضد پارتیزانی را گذرانده اند، به نیکاراگوئه اعزام میشوند. این کمکها به رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی سوموزا در حالی انجام میشود که حتی خود سوموزا امید به بقای رژیمش را از دست داده و مانند شاه مخلوع ایران، که دستور خروجش از کشور، از واشنگتن صادر گردید، در انتظار چنین دستوری است. در عین حال دوا بر جاسوسی و کارگزاران امپریالیسم آمریکا هم بیکار ننشسته اند و به فعالیتهای پرتب و تاب خود در این کشور ادامه میدهند. این فعالیتها در آن سمت است که روند حوادث در نیکاراگوئه به بستر مطلوب برای امپریالیسم امریکا کشانده شود. یعنی تمام تلاشهای امریکا در این زمینه، با این هدف بکار برده میشود که پس از واژگونی رژیم دست نشانده، که به حکم جبر تاریخ امری ناگزیر است، جبهه ملی رهائی بخش ساندینستا، که قیام مسلحانه همگانی خلق را رهبری میکند، به حاکمیت نرسد.

در مرحله کنونی پیروزی چنین ساندینستا، امپریالیسم امریکا که دیگر قادر نیست این رژیم ضد خلقی را با دیکتاتوری سوموزا حفظ نماید، میکوشد با گروه فرماندهی ارتش رژیم دیکتاتوری تماس مستقیم برقرار سازد تا شاید بتواند از انحلال و فروپاشی گارد ملی پانزده هزار نفری، که از نظرس واشنگتن مهمترین وثیقه جلوگیری از استقرار یک حکومت خلقی است، ممانعت بعمل آورد. حوادث نیکاراگوئه واشنگتن را با مشکل تازه ای، مشا به آنچه که در ایران گذشت، روبرو ساخته است. چالب اینکه پیروزی انقلاب ایران، که رژیم ضد خلقی دست نشانده امپریالیسم امریکا را به زباله دان تاریخ سپرد، برای امپریالیسم امریکا آموزنده نبوده است. بنا بعقیده آسوشیتد پریس، برخورد دولت امریکا با حوادث نیکاراگوئه به روش آن نسبت به حوادث انقلابی که در ایران گذشت، شباهت فراوان دارد. امپریالیسم امریکا تا آخرین لحظه تصور میکرد که میتواند رژیم منفور شاه مخلوع را حفظ کند و بدینجهت از آن حمایت مینماید. در ماه ژانویه که معلوم شد دولت کاتر دیگر قادر به نیات تاج و تخت شاه مخلوع نیست، تمام وزنه خود را در کفه حمایت از دولت بختیار قرار داد. اما پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، کابینه بختیار و حامیان امپریالیستی آنرا در زیر امواج طوفانی خود در هم نوردید. اکنون نیز که رژیم سوموزا در زیر ضربات در هم شکستنده قیام مسلحانه جبهه ملی رهائی بخش واپسین روزهای حیات خود را از سر میگذراند، امپریالیسم امریکا در جستجوی یک لیدر دیگر، یعنی بختیار نیکاراگوئه است تا آنرا جانشین سوموزا کند.

وزارت امور خارجه امریکا از زمستان سال گذشته، که نبردهای

رهائی بخش مردم نیکاراگوئه سراسر کشور را فرا گرفت و زرفای انزجار و نفرت همگانی خلق نسبت به رژیم دست نشانده اش عیان گشت، به اندیشه یافتن جانشین مطلوبی برای سوموزا فرورفت. اما در آن زمان این اندیشه هنوز خام و زودرس بنظر میرسید، زیرا امریکا با مشکل جدی تری از آن، در ایران روبرو بود و کاتر رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، بعلمت عدم قاطعیت و دودلی در پشتیبانی از رژیم شاه مخلوع در ایران، آماج انتقادات شدید محافل امپریالیستی بود.

اما در آغاز تابستان سال جاری، ایالات متحده امریکا در اجلاس سازمان دول امریکائی مسئله بزکنداری سوموزا را مطرح نمود و در عین حال پیشنهاد کرد که نیروهای مسلح مشترک این سازمان ساخت امریکا، بمنظور تأمین «صلح و آرامش» به نیکاراگوئه اعزام شوند. ولی این پیشنهاد مورد موافقت قرار نگرفت و محافل واشنگتن را بیاد خاطرات شیرین دورانی که این سازمان ابزار گوش بشرفان کدر و متین کن حوادثی شبیه حوادث کنونی نیکاراگوئه میگذاشت، چونون رئیس جمهور وقت امریکا، واحدهای بیست هزار نفری نیروهای مسلح مشترک این سازمان را با مأموریت برقراری «صلح و آرامش» به آن کشور اعزام نمود. اما امروز سیاست سیطره چوینا نه امپریالیسم آمریکا در میان کشورهای امریکائی لاتین دیگر چندان اعتبار و ضمان اجرایی ندارد. همبستگی روز افزون کشورهای امریکائی لاتین با مبارزات مسلحانه جبهه ملی رهائی بخش در نیکاراگوئه، از نمودارهای بارز این واقعیت است. تا کنون دول کوبا، پاناما و گرنادا دولت موقت جبهه ملی رهائی بخش را برسمیت شناخته اند و هر روز بر تعداد دولی که با رژیم سوموزا قطع رابطه میکنند، افزوده میشود.

کیسینجر، وزیر امور خارجه پیشین امریکا، چندی پیش طی مصاحبه ای با «واشنگتن پست»، ضمن گفتگو درباره حوادث نیکاراگوئه، انقلاب ایران و اوضاع رودزیا، هدف عمومی سیاست امریکا را در روبرو شدن با چنین اوضاعی بدینگونه خلاصه نمود: «کوشش برای یافتن راه حل معتدل» در برابر حکومتهای رادیکال، که احتمال می رود در این کشورها روی کار آیند. بدینگر سخن، در مواردیکه امپریالیسم امریکا دیگر قادر نیست رژیمهای منفوری از قبیل شاه مخلوع، سوموزا و اسمیت را حفظ نماید، میکوشد حکومتهایی با وجهه ظاهراً ملی و قابل قبول برای مردم، که در عمل همان نقش را ایفاء کنند، روی کار بیاورد. کیسینجر اضافه نمود که تعویض حکومت های نامطلوب جزو وظایف ما نیست، اما اگر بخواهیم چنین تعویضی را انجام دهیم، باید مسئولیت آنرا پذیرا باشیم که چنین تعویضی با ایده آلهای ما (منافع امپریالیسم امریکا) مطابقت داشته باشد. کیسینجر ابراز تأسف نمود از اینکه، تلاشهای واشنگتن برای یافتن جانشین مناسب برای سوموزا تا کنون بی نتیجه بوده، اما بنظر وی در رودزیا اسقف موزوروا چهره کاملاً مناسب و مطلوبی برای امریکاست.

این اعترافات گستاخانه یکی از کارگزاران سرشناس امپریالیسم امریکا بیانگر این واقعیت است که امپریالیسم امریکا، بر حسب سرشت آزمندانه خود، در سراسر مناطق جهان پشیمان رژیمهای دیکتاتوری و ضد خلقی و دشمن سوگند خورده خلقها نیست که از دست خیانتها و تبهکاریهای این رژیمها بجان آمده و برای سرنگونی آنان به بیچارگی برخاسته اند. زندگینامه شوم و مرگبار این جها نضوار خون آشام را چپاول و غارتگری تر و تهاشی ملی، کشتار و شکنجه خلقها، اشاعه فساد، توطئه و کودتاهای نظامی ضد خلقی و تحمیل رژیمهای دیکتاتوری ضد مردمی بر خلقها تشکیل میدهد.

پس وظیفه مقدس نیروهای راستین ملی و انقلابی است که این دشمن اصلی آزادی و دمکراسی و استقلال را بدرستی بشناسند و بخاطر مصون داشتن دستاوردهای انقلاب و ادامه روند انقلابی، در صفوفی پیوسته و با وحدت عمل، با یکگیری و قاطعیت در برابر تحریکات و اقدامات مخرب و توطئه گرانه آن مبارزه کنند.

قانون اساسی را «شورای بررسی نهائی قانون اساسی» که تعداد اعضاء آن ۷۳ نفر است، بر مبنای خواستههای مردم اصلاح و تکمیل خواهد کرد و سپس متن آماده قانون اساسی به رای عمومی گذاشته خواهد شد.

بورژواهای لیبرال نیز، که از سوی پر سر و صداترین چپ روان مورد حمایت قرار گرفته اند، نسبت به امتناع از اندیشه سابق در مورد تشکیل مجلس مؤسسان، به مخالفت پرداخته اند. قطع نظر از هذوهای مشخصی که انواع طرفداران مجلس مؤسسان تعقیب میکنند معنای موضوعگیری آنها در آخرین تحلیل یکی است، بدرازا کشاندن دوران گذار به یک تا دوسال.

در همین حال نیروهای ترقیخواهی، نظیر مثلاً حزب توده ایران، برنامه ای را که آیتاله خمینی و دولت مطرح ساختند، مورد پشتیبانی قرار دادند و توضیح دادند که نحوه تصویب قانون اساسی مسئله ای فرعی نسبت به محتوای آنست. آنها تأکید دارند که این محتوا میبایستی بر مبنای بحث علنی همه خلقی یکگیرانه ضد امپریالیستی باشد و خواستههای آنهاست، که انقلاب را انجام داده اند، یعنی خواستههای توده های زحمتکش را تضمین کنند.

**از کمکهای مالی رفقا و دوستان سپاسگزاریم**

هزینه هروسوی الف و ب	۱۰۰۰/۰۰۰ ریال
هدیه دوستان برای عروس و داماد	۵۰۰۰ «
هدیه دوستان کارگر برای عروس و داماد	۱۵۵۰ «
مهدی	۲۰۰/۰۰۰ «
گروه دهقانان آبکنار	۵۰۰۰ «
نوشین فولادوند (کودک)	۲۰۰ «

## در خرمشهر عناصر مشکوک به دفتر «مردم» حمله کردند.

ساعت ۳/۵ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸، عده ای از عناصر مشکوک به دفتر «مردم» و همچنین کتابفروشی اتحاد حمله کردند و آنها را ویران ساختند.

رفقای مسئول دفتر «مردم» درباره این عملیات ضد انقلابی به فرمانداری شکایت بردند. فرماندار خرمشهر نسبت به این حادثه ابراز تأسف کرد و قول رسیدگی داد. ما امیدواریم که با تدابیر قاطع و فوری جلو این عملیات ضد انقلابی گرفته شود.

## هجوم مجدد عناصر مشکوک بدفتر حزب در رشت

حدود ۱۱ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۵ تیرماه، مائوئیستهای «سازمان انقلابی» همراه با عده ای از عناصر مشکوک و بعضی از عناصر ناآگاه و تحریک شده باردیگر به دفتر حزب در رشت حمله کردند، تا بلسوی سازمان ایالتی را پایین کشیدند، شیشه ها را شکستند، پوسترها و شماره های پارچه ای را پاره کردند. با توجه به حملات این عناصر مشکوک در روزهای گذشته، کاملاً آشکار است که هجوم بدفتر حزب آگاهانه و سازمان یافته انجام میگیرد. ما ضمن اعتراض شدید به این عملیات ضد انقلابی، باردیگر از مقامات مسئول مصرانه خواستار تعقیب و مجازات هجوم کنندگان بدفتر حزب، که لویگر برای مقامات مسئول هم باید شناخته شده باشند هستیم.



## نه تنها خاورمیانه، بلکه بسیاری از دولتهای غربی نیز ناخوشینند

روزنامه پروادا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت: «نه تنها کشورهای خاورمیانه، بلکه بسیاری از محافل سیاسی دنیای غرب نیز از گفت و گوهای کمپ دیوید ناخرسندند.» پروادا تصریح کرد که این امر در دیدار اخیر یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین از ویسن بوضوح به ثبوت رسید.

ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی متذکر شد که تبادل نظرهایی که میان عرفات از طرفی و کراسینسکی و ویلی برانت از طرف دیگر بعمل آمد، به عقیده ناظران یک آزمون عادی و سودبخش بود.

## بحران فزاینده درمکز جهان سرمایه داری

امریکای بحران زده برای رفع درد بی درمان خود تلاش مذبوحانه ای را آغاز کرده است. مشاوران رئیس جمهوری این کشور در گفت و گوی اخیر خود با وی پیش بینی کرده اند که در سال جاری نرخ تورم نسبت به سال گذشته دو برابر خواهد شد، حال آنکه میزان تولید کاهش خواهد یافت و شماره بیکاران به یک میلیون نفر بالغ خواهد شد.

لکن جیمی کارتر که از چاره اندیشی امکان ناپذیر در شرایط استقرار نظام سرمایه داری عاجز است، در صدد است برای چاره جویی در این زمینه به اقداماتی از قبیل نطق رادیو تلویزیونی توسل جوید!

جمعی از کارگردانان کنگره آمریکادر باره حسن تأثیر این اقدام رئیس جمهوری امریکا ابراز تردید کرده اند و اعتقاد دارند که این ابتکار جیمی کارتر گره گشای مسأله نخواهد بود و نخواهد توانست توجه افکار عمومی امریکا را بسوی خود جلب کند.

دست اندر کاران کنگره امریکا برای مداوای دردمان امریکای پشیمان تدابیر قابل لسی را از طرف رئیس جمهوری مؤثر می دانند و آنها معتقد هستند که رئیس جمهوری باید بتواند فرد فرد امریکائیان را متقاعد کند که تدابیر متخذه از طرف او بحران امریکا را رفع خواهد کرد!

## مانورهای دیپلماتیک آمریکا در کره

روزنامه پروادا ارگان رسمی حزب کمونیست اتحاد شوروی نوشت که قصد واقعی واشنگتن و ستول از مانور دیپلماتیک جدید با منافع ملی خلق کره مقایرت دارد.

پروادا متذکر شد، «چنینجالی زیادی در امریکادر باره پیشنهاد گفت و گوی سه جانبه نمایندگان امریکا، مقامات کره جنوبی و جمهوری دمکراتیک خلق کره درباره اتحاد دو کره برپا شده است، لکن، تا خروج سربازان خارجی از کره جنوبی مسأله کره از لحاظ جنگ و اتحاد حل نخواهد شد و این خروج را می توان بمنوان یک پایگاه دموکراتیک صلح تلقی کرد.»

پروادا تأکید ورزید که اتحاد شوروی وسایر کشورهای که در راه صلح مبارزه می کنند، بهمین علت از وحدت دو کره پشتیبانی می کنند.

